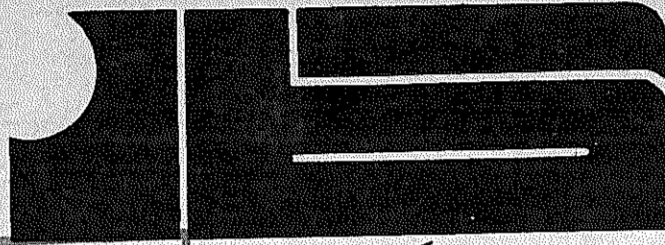


کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

مبارزه ضد امپریالیستی
از مبارزه برای دموکراسی
جدانیست



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
کتابخانه ایرانی شهروز

سال سوم شماره ۱۱۰ چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ Iranische Bibliothek in Hannover ۲۰ صفحه ۳۰ ریال

درباره شعارهای اساسی جنبش ضد امپریالیستی- دموکراتیک خلقهای ایران ۱

امپریالیسم جهانی، سرکردگی آمریکا
لیسم آمریکا در برابر خلق کنونی یا یکی از وحش
ترین بخران های ایستادگی یا رنج خود دست
بگریبان است. رکود و یورم همزمان.
آشفته شدن مبولی بین المللی و... تمامی
سیستم امپریالیستی را در خود فرو برده است.
اعمال جنس کارگری در کشورهای سرمایه
داری غرب، کمترین بسا بقدا عتبات
کارگری را علت ان کسورها و رسیدن روز
افزون جنس های رها نشی بخش در سر با سر
کیتی ارکان و بنا به ای سرما به داری جنبشی
سرکردگی امپریالیسم آمریکا را بلرزه
در آورده است.
نیردخادی در عرصه جهانی بین سرروهان
سده در صفحه ۱

نامه سرگشاده سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خطاب به نمایندگان "مجلس شورای اسلامی"!

ضروری دانستیم که با توجه به شرایط
کنونی و وقتا یعنی که امروز در میهن ما رخ
میدهید، مواضع خود را بسرا مون رویداد
های جاری مملکت اطلاعیه دادستان کل
انقلاب و لایحه مربوط به فعالیت احزاب
و گروهها که "مجلس شورای اسلامی" در پی
تصویب آنست، بصراحت بیان دارم.
بقیه در صفحه ۲

نمایندگان "مجلس شورای اسلامی"!
بحسب وظیفه ای که سازمان چریکهای
فدائی خلق ایران در قبال کارگران،
دهقانان و دیگر زحمتکشان ایران
بر عهده دارد.
بنا به وظیفه ای که سازمان چریکهای
فدائی خلق ایران در دفاع از منافع
توده ها و آزمانهای والای زحمتکشان
بر عهده دارد.

عوام فریبی دادگاه تخلفات و جرائم زمان جنگ

و ابادی رژیم پشیم "فلمدا دکنند."
در ماده یک "خطا ریه دادگاه تخلفات"
و جرائم زمان جنگ آمده است: عتبات
سا واگ و دیگر تفالیه های رژیم گذشته در
احتمالات گروههای فاشیست آمریکائی
که در حال مبارزه با جمهوری اسلامی
هستند شرکت مینمایند. ...
بقیه در صفحه ۱۶

"دادگاه تخلفات و جرائم زمان جنگ" در
روز ۵ شنبه ۱۷ اردیبهشت ماه "اخطاریه"
صادر کرده است که بررسی مسوودان
پیش ازینش جهه "ضد خلقی رژیم
جمهوری اسلامی را افشاء میکند. رژیم در
این اطلاعیه سعی کرده است، مبارزات
نیروهای انقلابی و توده های زحمتکش
را بشکلی فریبکارانه "کارسا و اکی ها"

اعتراض به بازداشت سعید سلطانپور همچنان ادامه دارد

در ادامه اعتراض سازمانها و شخصیت
های سرشناس ایران و جهان به بازداشت
سعید سلطانپور، بیش از صد تن از
نویسندگان، روزنامه نگاران و روشنفکران
ایران طی بیانیه ای، اقدامات ضد
دموکراتیک رژیم جمهوری اسلامی را محکوم
کرده و خواستار آزادی فوری نویسندگان
بازداشت شده از جمله سعید سلطانپور
عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان
شدند.
کانون نویسندگان نیز طی بیانیه
ا اعلامیه دربار "حقیقتان، سرگوشه استبداد"
خود کا مکی رژیم جمهوری اسلامی را محکوم
کرد.

بقیه در صفحه ۱۸

رژیم جمهوری اسلامی: بکارگیری روشی کهنه در جهت پایمال کردن حقوق زندانیان سیاسی

زندانیان سیاسی زندان اوین مدت
ها جهت بدست آوردن حقوق اولیه یک
زندانی سیاسی یعنی جدا بودن از جانیان
و کودکان گران، در اختیار داشتن کتاب و
حداقل شرایط بهداشتی دست به اعتصاب
غذا زده بودند. در این رابطه نیروهای
مترقی، سازمانهای سیاسی و کانونهای
دموکراتیک بسیاری از آنان پشتیبانی به
عمل آوردند. اما رژیم جمهوری اسلامی که
حاضر نیست حتی حقوق اولیه زندانیان
سیاسی را نیز برسمیت بشناسد مزورانه
بقیه در صفحه ۲

نابود باد امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا وپایگاه داخلی

در این شماره

جنبش جهانی

جنبش کارگری

برآوارگان چه می گذرد؟

از اعلامیه ها... کارگران پیشرو

پاسخ به سئوالات



نامه سرکشاده سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خطاب به نمایندگان "مجلس شورای اسلامی"

نمایندگان "مجلس شورای اسلامی"!

شبهه از صفحه ۱

ما وظیفه انقلابی خود میدانیم که در بسکاه خلیجهای فترمان ایران خطرانی که انقلاب ایران را تا سرحدتکست قطعی تهدید می کند، خاطر نشان سازیم و شما بندگان "مجلس شورای اسلامی" که بنام بوده ها و بنا بر انقلاب دست بنصوبت لوا یحیی میرسند که معا بر ما لح انقلاب و مفاع بوده هـ سـ سـ ای رزمکن است هـ سـ ا ردهیم .

امروز دیگر کسی پوشیده نیست که پس از گذشت بیست و دو سال از قیام بهمن ماه و سرنگونی رژیم منقور پهلوی بدست توانای رزمکنان، نه تنها خواسته های برحق توده های ایران ما تحقق نیافته است، نه تنها انقلاب به سرانجام پیروز شدن نرسیده است، بلکه مدام وضعیت و سرسختی زندگی کارگران و دهقانان و همه اقشار رزمکن میهن ما دسوارتر گشته است. و خامت اوضاع اکنون بمرحله نه ای رسیده است که میلیونها تن از هموطنان رزمکن ما سکا رند و در جنگال فقر و گرسنگی گرفتار می باشند. فـ سـ رکرانی و کمبود ما یحناج عمومی، زندگی را بر همه رزمکنان دسوار کرده است. چندین میلیون تن از هموطنان ما در اثر جنگ خانه و کاشانه خود را از دست داده، در بدر و آواره شهرها شده و از حداقل امکانات رفاهی، نان، مسکن و بهداشت محروم اند، و این در حالی است که سرمایه داران بویژه تجار از طریق استثمای روغارت توده ها و بیقیمت خانه خرابی میلیونها تن از رزمکنان میلیاردها تومان سود خیب زده اند. اما حکومت جمهوری اسلامی که از "مستضعفین" سخن می گوید، برای مردم چه کرده است؟ و کدام کام اساسی را لافیل در حینت تخفیف فقر و تـ لـ کـ تـ تـ یـ هـ ا برداشته است؟

مقامات جمهوری اسلامی بعوض بر آوردن ابتدائی ترین نیازها و خواسته های رزمکنان ایران، کوشیده اند هر صدای حق طلبانه رزمکنان را در کلوخفه کنند و در برابر زدن ما بی و اعتراض توده ها به سیاست تشدید جـ اـ خـ تـ اـ نـ ی و سرکوب روی آورند. در ادا عهدهمین سیاست است که اطلاعیه ده ماده ای دادستان کل انقلاب منتشر می گردد، و شما نمایندگان مجلس نیز خیال دارید با خوب لایحه ای که هدفی جز سرکوب و محو آزادیهای سیاسی مردم در بر ندارد، مردم را "بنام انقلاب" بنام امنیت و قانون این سرکوب توده ها، به این سلب آزادیها، شکل قانونی بدهید. آیا اطلاعیه دادستان کل کشور و لایحه مربوط بدفعالت احزاب، سازمانها و گروهها هدفی جز محو کامل آزادیهای سیاسی و سرکوب و اختناق را دنبال می کند؟ آیا طرح گروههای مسلح و غیر مسلح در این اطلاعیه سرکوبی برای سلب آزادیها و سرکوب توده ها نیست؟

در این اطلاعیه چنین وانمود شده است که کویا فقط گروهها و اجزایی که اعضای خود را مسلح کرده و با رژیم جمهوری اسلامی مبارزه مسلحانه کنند، غیر قانونی می باشند و با احزاب و گروهها آزادند و حق فعالیت سیاسی علنی دارند، اما اگر در همین اطلاعیه اندکی دقیق نویسیم، بی می بریم که هدف واقعی از تنظیم این اطلاعیه جلوگیری از هرگونه فعالیت سیاسی - انقلابی علنی، هرگونه فعالیتها و همکاری و صفی است. در ماده ۸ این اطلاعیه آمده است:

"۸ - کلیه احزاب و گروهها مجاز به تشویق و تحریک به اعتصاب، کمکاری، تخص و یا هر نوع اختلال در موسسات مختلف کشور نیستند و جـ اـ نـ جـ هـ مـ اـ رـ دـ یـ مـ اـ هـ یـ هـ مـ اـ شـ دـ و، متخلفین تحت بیکرد قانونی قرار می گیرند."

ما سؤال می کنیم که آیا "اعتصاب" "کم کاری" "تخص" که در این ماده ممنوع شده است بمعنای نفی هرگونه مبارزه سیاسی - انقلابی، نفی هرگونه مبارزه سیاسی - صفی نیست؟ آیا این بمعنای ممنوع کردن مبارزات کارگران، دهقانان و دیگر اقشار رزمکن میهن ما برای رسیدن به خواسته های برحق شان نیست؟

بزرگس که اندکی آگاهی داشته یا شـ دـ رـ و شـ نـ است که در اینجا دیگر مبارزه مسلحانه مطرح نیست بلکه اعتصاب کارگران غیر قانونی اعلام می شود، و اعتصاب در زمره ابتدائی ترین حقوق کارگران و رزمکنان است که در سراسر جهان برسمیت شناخته شده است. از نظر دادستان کل کشور، کارگرانی که مبارزه علیه سرمایه داران بر خیزند و بـ مـ طـ و ر ا حـ قـ ا ق حـ قـ ا بـ تـ د ا تـ ی خـ و یـ شـ دـ سـ تـ بـ ا عـ تـ صـ ا بـ تخص و... رند، مورد بیکرد قانونی قرار می گیرند. در اطلاعیه دادستان کل انقلاب هر مبارزه کارگران و دهقانان، هـ رـ ا عـ تـ ر ا ضـ کـ ا ر مـ نـ د ا ن، د ا شـ جـ و یـ ا ن، مـ عـ لـ مـ یـ ن و د ا نـ شـ آ مـ و ز ا ن مـ مـ نـ و عـ د هـ ا سـ ت و بـ ا لـ ا خـ ر ه دادستان کل انقلاب هر سازمانی را که از حقوق رزمکنان و مبارزات آنها دفاع کند -

اختلال می داند. هنگامیکه "مرتکبین" این "اعمال" "مجرم" شناخته شده و تحت بیکرد قانونی قرار گیرند، دیگر آزادی فعالیت سیاسی، آزاده فعالیت قانونی، مناظره تلویزیونی و... بخودی خود به امری بیوج و بی معنی بدل خواهد شد.

در اینجا ستمگر و سنی می بینیم تقسیم کرده ساز ما نهاده دودسته مسلح و غیر مسلح صرفا "بهنانه ای" برای سرکوب سازمانهای انقلابی و مترقی، و محو آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک توده ها است. مگر... بلکه سربا نی که تا کنون غیر قانونی شده اند همه متعلق به گروههای مسلح بوده اند... منب... رسیده بکا ها و سورا های انقلابی کارگران، سورا های دهقانان، مسلح بوده اند که مورد سرکوب واقع شده اند؟ بتـ ر د فـ ا تـ ر سـ ا ز مـ ا نـ هـ ا ی د ا شـ جـ و یـ نـ ی، شـ کـ ل هـ ا ی کـ ا ر مـ نـ د ا ن، ا تـ حـ ا د یـ هـ ا و کـ ا نـ و نـ هـ ا ی د مـ و کـ ر ا تـ یـ ک ر ن ا ن، بـ و یـ سـ نـ د کـ ا ن و غیره مسلح بوده اند که تعطیل شده اند؟ اگر منظور از مبارزه مسلحانه، مفاع و مت خلق کرد باشد، امروز دیگر بر همگان روشن شده است که خلق کرد خواهان جنگ نبوده و طالب صلح است و هزاران بار آنها مات تجزیه طلبی را رد کرده و اعلام کرده است که خواهان تحقق حقوق دموکراتیک خویش در جـ ا ر جـ و ب کـ و شـ و ا ی ر ا ن است. در کردستان نیز این گروهها و سازمانها نیستند که می چکنند بلکه توده های رزمکن خلق کرد اند که در مقابل جنگ تحمیلی از خانه و کاشانه خود دفاع می کنند و طالب نامین حقوق دموکراتیک خویش هستند، و هر آینه حقوق دموکراتیک خلق تحت ستم گردنضمین کرده، صلح در آنجا برقرار خواهد شد و دیگر جنگ موردی نخواهد داشت.

شبهه در صفحه ۴

رژیم جمهوری اسلامی: بکارگیری روشی کهنه...

شبهه از صفحه ۱

کوشید تا شیوه یکپاره را بکار نبرد و با خرابکاران روحدا انقلاب نامیدن زندانیان سیاسی مرفی تما می مثل رالایوئانی کند.

رژیم در بیابانها دستا نی کلی کشور چنین می گوید: "زندانیان این با زندانها را از افراد ضد انقلاب خرابکاران، ناقضین قانون و ما لایم تشکیل داده و اطلاق زندانی سیاسی در این باره - داشتند و وجود ندارد." (انقلاب اسلامی ۱۴ اردیبهشت ماه) این شیوه برخورد که اینک رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با زندانیان سیاسی در پیش گرفته برای توده های خلق تا زکی ندارد.

شاه نیز همواره سعی میکرد با بکار گرفتن همین روش دستهای خونآلود و جنایا ت درون زندانهای خود را از چشم محفی که دارد همه مردم بیادارند که چگونه شاه خائن همواره میکفت "مسلحان زندانی سیاسی ندارند، اینها یک مشت جنایتکارند..."

و بدین طریق سعی می کرد بهترین فرزندان خلق را جـ ا نـ بـ کـ ا ر تـ لـ قـ ا د کند. همه مردم بیادارند که چگونه شاه فدائیان را بجا هدین را "خرابکار" و "عنا مرضد امنیتی" می نامید و بدین طریق سعی داشت از زیر بار وجود زندانیان سیاسی در زندانها رژیم خود را نه خالی کند.

در رژیمهای سرمایه داری - همواره زندانیان سیاسی و خوددارند که به حرم داشتن افکار و عقاید مترقی و بعلت مبارزه در جهت، تغییر و بنا بودی نظام کامیبه زندان افتاده اند. هم امروز در رژیم جمهوری اسلامی شاهدیم که چگونه کارگران مبارزی که در جهت احقاق حقوق خودیبه اعتراض لب می کشانند، رزمکنانی که برای تریکاری - فقر و کراتی دست به تظا هرات میزنند، معلمین آگاه و مبارزی که سعی در ارتقاء آگاهی دانش آموزان دارند، دانش آموزانی که در جهت شکل و تداوم مبارزه کوشیده اند، فروشندگان نشریات انقلابی، مبارزینی که در جهت رشد آگاهی توده ها کام برداشته اند... همه و همه بوسیله رژیم جمهوری اسلامی سیر و زندانی می شوند.

اما رژیمهای ضد خلقی همواره کوشیده اند تا از پذیرش داشتن زندانیان سیاسی سرباز زنند. زیرا در وهله اول وجود زندانیان سیاسی مترقی و همچنین تعداد آنها نزدیک کشور را تظا ر افکار عمومی جهان و همچنین در رابطه با ذهنیت توده های آن جامعه

شبهه در صفحه ۲

استقلال - کار - مسکن - آزادی

تحصن کارگران مجتمعی پتروشیمی در مقابل نخست وزیر

کارگران برای بدست آوردن حقوقشان ادامه مییابند. نمایندگان آنها بارها به مسئولان دولتی مراجعه میکنند اما هیچ پاسخی در جواب خواستهها بشماران نگرفته و به آنها گفته میشود با شما تسویه حساب شده و هیچ حقی ندارید. بالاخره کارگران کدرفت و آمدهای مکرر و چند ماهه نمایندگان خود را بسی نسخه میسند دست جمعی به تهران میآیند. آنها در ادامه مبارزاتشان برای دریافت حقوق عقب افتاده خویش

۳۵۰ نفر از کارگران بیمانکار ریهای مجتمعی پتروشیمی ایران و ژاپن (بندر خمینی) برای دریافت حقوق عقب افتاده خود در مقابل نخست وزیر دست به تحصن زدند. مبارزه کارگران بیمانکاری ایسین مجتمعی از مدتها پیش از جنگ بر سر دریافت حقوق و جلوگیری از تعطیل کار و اخراج جریان دارد. این مبارزات در قیل از جنگ، رژیم جمهوری اسلامی را وادار میکند که بخشهای بدین مضمون صادر نماید



از تاریخ ۱۴/۲/۶۰ در مقابل نخست وزیر تحصن میکنند. کارگران میگویند که: "با بربخشنامه ای خود دولت ما هشت ماه حقوق بر اساس ۵۰٪ طلبکار هستیم و دولت است میاید حتماً را بدهد". آنها یکصد با شعار "رحائی، رحائی بخشنا مدر ا اجرا کن" خواهان کسب حقوق یا بمال شده خویش هستند. آنها اعلام کرده اند که: "تا هنگامیکه حقوقمان را نکیریم دست از تحصن برنمیداریم" ●

که بیمانکار ریها نمیتوانند کارگران را اخراج کنند و باید ۵۰٪ حقوق را بکنند. کارگران بپردازند. اما با شروع جنگ ارتجاعی بین دولتهای ایران و عراق کار مجتمعی پتروشیمی متوقف ماند و به هر یک از کارگران هزار تومان پرداخت گردید. مدیران پتروشیمی بیشتر مانده... کوشیدند این مبلغ را بعنوان تسویه حساب کارگران عنوان کرده و آنها را اخراج نمایند.

در برابر این اقدام ضد کارگری مبارزه

چشم کارگری



تشدید خفقان و سرکوب در کارخانجات تبریز

توسل رژیم جمهوری به تشدید خفقان و سرکوب در کارخانجات تبریز چشم کارگران را برانگیخت. در تاریخ ۶۰/۱/۲۴ - بخشنامه ای از طرف مدیرعامل کارخانه لیفت تراک تبریز خطاب به کارگران صادر می شود در بخشنامه مذکور می خوانیم که: "اجتماع بیش از سه نفر در محیط کارگاه اکیدا ممنوع است. هر کس شایعه پراکنی کند از کارخانه اخراج میشود. کارگران باید هر چه بیشتر کار کنند و کسی حق ندارد بهیچوجه بحث ایدئولوژیکی در کارخانه نماید و یا مانده چینی کار را هر چه زودتر اخراج خواهند شد." در پایان بخشنامه مدیرعامل کارخانه به تهدید مسئولین قسمتها از آنها می خواهد که با قاطعیت عمل کنند. هنگامیکه مسئولین قسمتها بخشنامه را به کارگران می خوانند کارگران متحد و یکپارچه با اعتراض به این بخشنامه به مقابله برخاستند یکی از کارگران خطاب به مدیرعامل گفت: "با کدام قانون از کارگر، کار می خواهید؟ مدیرعامل مسل در جواب گفت: "با قانونی که من می گویم" آری رژیم جمهوری اسلامی ابتدا کوشید با فریب و تحمق کارگران منافع سرمایه داران را نامین کند اما اکنون که نتوانی خود را در مقابل خواستهها و مبارزات متحد کارگران بعینه دریافت است چاره ای جز توسل به خفقان و سرکوب کارگران ندارد. اما کارگران هر روز که می گذرد با اتحاد یکپارچه و تشکیل شورای انقلابی به مقابله با سیاست خفقان و سرکوب بر می خیزند آنها در عمل انقلابی خود همه آئین نامه ها و بخشنامه های وزارتی را بی اعتبار خواهند ساخت ●

توطئه انجمن اسلامی بنیاد علیه نمایندگان شورا

متحدان را در برابر اقدامات ضد انقلابی و ضد کارگری تقویت نمایند. در این میان انجمن اسلامی بدنال سیاستهای ارتجاعی آشکارا به سیاست اختناق و سرکوب حزب جمهوری اسلامی و وابستگانش نظیرهای غفاری متوسل میشود. تعدادی از یاسداران سرمایه و اوباشان کمیتة چریکها از نمایندگان شورا را بدنال جاسوسی های انجمن اسلامی شانه دستگیر می کنند. آنها وی را در بنیاد نهایی اطراف تهران قفسد کشت کتک زده، شکنجه اش کرده و سرانجام او را با همان حال در بنیادان رها می کنند. اما وی بالاخره موفق به نجات خویش میشود.

بقیه در صفحه ۱۸

انجمن اسلامی شرکت بنیاد (پشتیبانی ونوسازی هلیکوپترهای ایران) پیرو سیاست دامن و ضد انقلابی حزب جمهوری اسلامی از مدتها پیش دست در دست مدیریت سعی در انحلال شورا و ایجاد دیک شورا فرما بیتی و وابسته به خود دارد. اما تا کنون تمامی توطئه هاییش در برابر آگاهی کارکنان و مبارزه متحد و بیکیتر آنان نقش بر آب شده است. از چند هفته پیش با افزایش فشار و توطئه های مدیریت و انجمن اسلامی، کارکنان مبارز شورا جهت تشکیل مجمع عمومی به مبارزه ای یکپارگی روی می آورند. آنان موفق میشوند که با تشکیل مجمع عمومی و افشای انجمن و مدیریت اتحاد کارکنان را مستحکم نموده و صرف

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه ها برچیده شود

نامه سرگشاده سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

تیره ۲ صفحه ۲

موضع سازمان ما نیز در این مورد کاملاً صریح و مشخص است، ما اعتقاد داریم سلاح باید در دست توده های مردم و در اختیار شوراهای انقلابی قرار گیرد، این توده های میلیونی مردم هستند که با بسیج و مسلح شوند آنها بهترین نحو موثرترین شکل میتوانند از منافع خود در برابر امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و وابستگان و متحدین داخلیش دفاع کنند و بنا بر همین اعتقاد ما آن بود که از مصداقهای "ارتش شاهنشاهی" توسط توده های مردم در قیام بهمن ماه دفاع کردیم و هم امروز نیز از این اعتقاد دفاع می کنیم.

در شرایط کنونی نیز مبارزه سیاسی را محور فعالیت خود قرار داده ایم و بسیج و تشکل و ارتقا "کاهی سیاسی کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان میهنمان را وظیفه اصلی خود می دانیم و در گردستان نیز که مبارزه مسلحانه به خلق گردتحمیل شده است از ملحق شدن ما به آن است که تا ما با شما سانسسی حقوق حقه خلق کرد با شد دفاع می کنیم، و بسهم خود آمده ایم با شما که به نیروی توده های زحمتکش خلق کرد زمینه را برای مبارزه و برقراری آتش بس در گردستان، بشرطی که متضمن شناسائی حقوق حقه خلق کرد باشد، فراهم کنیم. ما چنین صلح را در شرایط کنونی بسود زحمتکشان خلق کرد و همه زحمتکشان ایران میدانیم، اگر حقوق حقه خلق را محترم بشمارید آنگاه خواهید دید که آتش خصومت ها در گردستان بسرد می خواهد کرد و صلح برقرار خواهد شد.

اینکه چرا امروز فدائیان و دیگر نیروهای انقلابی مورد حملات کینه توزانه قرار گرفته اند دقیقاً به خاطر رشد و گسترش نفوذ آنها در میان توده ها و دفاعشان از مبارزات و منافع خلق است. کیست که سابقه مبارزات انقلابی و نبرد دلیرانه فدائیان خلق را علیه امپریالیسم و پای دیو بردوران نشنیده و نیز مقاومت و پایداری حماسه آفرین فدائی خلق، مجاهدان و سایر نیروهای انقلابی را در شکنجه گاههای ساواک از خاطر برده باشد. کیست که نداند روزهای قیام فدائیان خلق پیشا پیش دوشا دوش توده ها به یادگاران و مراکز جو روستم رژیم پهلوی حمله بردند و دلیرانه جنگیدند و نقش ارزنده ای در سرنگونی رژیم سلطنتی بعهده گرفتند.

آری فدائیان خلق بدین لحاظ زیر شدیدترین حملات و سرکوبها قرار می گیرند که بیکران از منافع کارگران و زحمتکشان دفاع می کنند.

ما میگوئیم با بد نظام سرمایه داری با بودگشته و سلطه امپریالیسم بطور کامل محو گردد، ما میگوئیم کارخانه ها باید در کنترل کارگران باشد، زمین به دهقانان واگذار شود، ما میگوئیم باید کارگران بیکاران تامین گردد، جلوی افزایش قیمت ها گرفته شود و معادل افزایش قیمت ها به دستمزد کارگران و حقوق کارمندان اضافه گردد، ما از شوراهای انقلابی، از خواست ۴۰ ساعت کار و دوروز تعطیل در هفته، از حق تعیین سرنوشت خلقهای تحت ستم ایران، از آزادی فعالیت کانونهای دموکراتیک و توده های آزادی فعالیت سازمانهای انقلابی، آزادی فعالیت سیاسی - انقلابی، آزادی بیان، عقیده و مطبوعات آزادی نظاره های میتینگ، اعتصابات و غیره ... دفاع می کنیم.

آیا فدائیان خلق باید بدلیل دفاع از منافع اساسی کارگران، دهقانان و زحمتکشان بخاطر دفاع از دموکراسی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، مورد پیگرد قرار گیرند، دستگیر، شکنجه و زندانی شوند؟

آقایان نمایندگان مجلس! امروز تلاش می کنیم که برای تصویب و اجرای لایحه غیرقانونی کردن احزاب صورت بگیرد، هر چند لایحه تیز آن متوجه سازمان ما و سازمان مجاهدین خلق ایران است، لیکر کوششی است برای محو کلیه آزادیهای سیاسی و پیمانال نمودن دستاوردهای قیام خونین بهمن ماه، کوششی است برای زیرپا نهادن ابتدائی ترین حقوق کارگران و همه زحمتکشان جامعه و برقراری رژیم ترور و اختناق، سرکوب و خفقان، و همه توده های زحمتکش ایران در برابر آن خواهند ایستاد. توده ها این آزادیها و حقوق دموکراتیک را با مبارزات سخت و خونین خود یکف آورده اند و از آن دفاع خواهند کرد. تصویب و اجرای چنین لایحه ای خیانتی عظیم نسبت به انقلاب و خلقهای تحت ستم ایران است.

تاریخ مبارزات همه خلقهای جهان و ایران ثابت نموده است که ترور، شکنجه، خفقان و سرکوب و محو آزادیها و حقوق دموکراتیک توده ها هیچگاه نتوانسته است سدی در برابر موج خروشان مبارزه - انقلابی توده ها ایجاد کند. سیل خروشان و پیشرونده تاریخ کسائی را که بخواهند مانع پیشرفت و تکامل جامعه و تاریخ باشند بدور خواهد افکند.

سازمان ما از هم اکنون عواقب وخیم تصویب و اجرای این لایحه را به نمایندگان مجلس "شورای اسلامی" هشدار می دهد و مسئولیت آنرا بر عهده کسائی می داند که برای لایحه صحنه بگذارند. بدون شبهه سازمان ما، در صورت برسمیت شناخته شدن و تضمین آزادی فعالیت سیاسی - انقلابی و برسمیت شناخته شدن حقوق دموکراتیک توده ها، چهار چوبی که چنین حقوقی را تضمین کند محترم خواهد شمرد، اما در غیر این صورت نه تنها هیچگونه "قانون" و محدودیتی را که سلب کننده حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی توده ها باشد، برسمیت نخواهد شناخت، بلکه بی کیرانه علیه آن مبارزه خواهد خواست.

سازمان ما با توجه به اوضاع سیاسی کنونی و شرایط فوق العاده حساس جامعه با دیگر نتایج عواقب ناشی از تصویب چنین لایحه ای را به نمایندگان مجلس گوش زد کرده و آماده است تا با شرکت در یک مناظره و بحث رادیو تلویزیونی که بدون سانسور پیش گردد حقاً بقرآ هر چه بیشتر با توده ها در میان گذارده و مواضع خود را توضیح دهد و از رادیو تلویزیون می خواهد که زمینه را برای برگزاری این بحث و مناظره فراهم کند.

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم - آمریکا و پایگاه داخلیش

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۶۰/۲/۲۷

رژیم جمهوری اسلامی: بکارگیری روشی کهنه...

نشان عدم وجود آزادیهای دموکراتیک و در نتیجه سرکوب و ضد مردمی بودن رژیم حاکم چنین گسوری است و در عین حال بر طبق قوانین بین المللی که به برائت سالیان در از مبارزات نیروهای مترقی بدست آمده است، زندانیان سیاسی از حقوق ویژه ای نسبت به زندانیان عادی (زندان، محاکمات، کارها) برخوردارند که دولتها در صورت بدتر شدن زندانیان سیاسی موظفند به اجرای آنند.

از بیروست که رژیمهای سرمایه داری و ضد خلقی همواره تلاش می کنند بهر بهانه ای زیر بار بدتر شدن و خود زنده اندیسان سیاسی سر باز زنند. یکی از مرسوم ترین شیوه های موجود در این مورد اینست که زندانیان سیاسی را در درجه جنایتکاران محسوب می کنند و با عناوینی چون خرابکار، قاتل و ... آنها را افرادی ضد جامعه و در حد دردان و جانبداران قلمداد میکنند. اینک مقایسه ای میان رژیم انقلابی ایران و رژیمهای نئولیبرالیست که بدترین و زنده ترین گواه این مسأله است همه دیدیم که چگونه با بی ساندگی برای آنکه زندانیان سیاسی شناخته شود و در دفاع از حقوق زندانیان سیاسی دست به اعتصاب غذا زد و چگونه رژیم ارتجاعی و ضد خلقی انگلستان و پلینس سرکوبگرش با خود داری از شناسائی او و مبارزات زندانیان سیاسی با عنایت شهادت او شد. و با این عمل خشم و نفرت شما می توده های خلق در سراسر جهان را برانگیخت.

آیا شیوه برخورد رژیم جمهوری اسلامی با زندانیان سیاسی، "خرابکار و ضد انقلابی" آنها و نفی وجود زندانیان سیاسی همان برخورد پلیس فاشیست و دولت ضد مردمی انگلیس است؟ زندانیان سیاسی نیست؟ چگونه است که رژیم جمهوری اسلامی دولت انگلیس را در حرف و در شعار محکوم میکند و از مبارزات با بی ساندگی می کند. ولی خود در عمل با زندانیان سیاسی بهمان شکل رفتار میکند. اما، علیرغم تمام این فریبها و نیرنگها، توده های خلق، برائت سالیان سال تجربه ای که از رژیم شاه جلا در پیش دارند، با شناختی که از ماهیت شاه و ساواک و دروغهای آنان و مبارزه بی ساندگی زندانیان سیاسی بدست آورده اند، دیگر فریب دروغها و رژیم جمهوری اسلامی را نخواهند خورد.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد / شکنجه و اختناق نابود باید گردد

● قائم شهر

کا رگران پیشروقا ئمشهرا علامیه ای تحت عنوان "نماینده واقعی کیست؟" منتشر نموده اند. در قسمتی از اعلامیه چنین آمده است: "شورای قبلی نتوانست در جهت خواستهای واقعی ما گامهای جدی بردارد. دلیل این امر وجود تعدادی نماینده غیر واقعی و عدم ارتباط شورایا کا رگران بوده است. بنا براین وظیفه تک تک ما ست که آگاهانه با انتخاب نماینده واقعی خویش به ایجاد شورای واقعی بپردازیم و پس از برشمردن خصوصیات نماینده واقعی می نویسد: "تنها با انتخاب نمایندگان واقعی شورا حای منافع کارگران گشته و به سنگرمبارزه ضد امپریالیستی تبدیل می گردد."

● تبریز

"تشدیداختناق آخرین حربه جمهوری اسلامی! عنوان اعلامیه ای است که کارگران پیشروتبریزمنتشر نموده اند. در قسمتهای از این اعلامیه آمده است: "امروز در کارخانجات تبریز مخصوصاً در ماشین سازی، اعمال فشار به کارگران با ایجاد جو خفقان بشدت بالا گرفته است. دولت بخاطر اینکه کارگران خواستهای برحق خود را مطرح نکنند، و در راه رسیدن به آنها دست به مبارزه نزنند، پیش دستی کرده و به عوامل خود دستور میدهد که با کارگران ماشین سازی آنگونه رفتار کنند که عوامل ساواک با آنان رفتار می کردند... آنان بی بهره میکوشند که با جایگزین ساختن روزمزدها، بیکاران و تهدید به اخراج و دستگیری کارگران انقلابی و فعالین سیاسی در کارخانه، کارگران را از مبارزه در راه خواستهای برحق رفاهی و سیاسی خود بازدارند! چون کارگران میدانند که نه اخراج و نه هیچ چیز دیگری نمیتواند راه مبارزه آنان را برای مدتها سد کند. کارگران تجربه کردند که نمیتوانند با تشکیل صندوقهای تعاونی و صندوقهای بیکاران و اخراجیها مبارزه را همچنان ادامه داده و تداوم بخشند. و به تجربه دریافته اند که با ایجاد شوراهای انقلابی خود نمیتوانند به خواستهای مطالبات خویش جامه عمل بپوشانند."

● مشهد

"دستگیری بیش از ۱۰ تن از کارکنان و کارگران مبارز شیر با ستوریزه لکه تنگی بردامن دولت جمهوری اسلامی! عنوان اعلامیه ای است که کارگران پیشرو مشهد در حمایت از مبارزات کارگران شیر با ستوریزه واقع در ۲۰ کیلومتری قوچان منتشر



از: اعلامیه ها، تراکتها و نشریات
کارگران پیشرو

نموده اند. در ابتدای اعلامیه به شرح مبارزات کارگران پرداخته اند. این مبارزات با تجمع کارگران بعنوان اعتراض به اخراج دوتن از همکارانشان از روز ۴شنبه ۶۰/۱/۲۶ شروع شده، و با ارائه خواستهای زیر ادامه می یابد: اخراج مدیرعامل (با قرضه)، رسیدگی به پرونده اخراجیها با حضور و نظر مستقیم کارگران، لغو اضافه کاری اجباری، بازگشت به کار کارگران اخراجی و رسمی شدن کارگران موقت. مدیرضد کارگرکارخانه که از تهدید کارگران نتیجه ای نگرفت به ارگانهای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی متوسل شده است. مزدوران مسلح رژیم (ژاندارمری و...) یکمک بسیج و با دستور دادگاه انقلاب!!! به کارگران حمله کرده و پس از دستگیری آنها کارگران مبارز، مانع ورود بقیه به کارخانه شده اند و بدینصورت مبارزات قهرمانانه کارگران را سرکوب می کنند. کارگران پیشرو مشهد پس از این توضیحات نوشته اند: "کارگران و کارکنان شیر با ستوریزه باید با انتخابات نمایندگان واقعی مبارز و قاطع از بین خود به اعتراض خود ادامه داده و خواست آزادی یاران در بند خود کردند. کارگران دلبیروز منته! هما نظر کسه سرمایه داران دست در دست یکدیگر و با کمک دولت، حقوقمان را پایمال نموده و علیه ما توطئه می کنند، ما نیز باید یکدل و متحد بوده و با حمایت قاطعانه از کارگران مبارز شیرخواستار آزادی کارگران زندانی و تحقق خواستهای برحق آنان گردیم چرا که در همه ما کارگران یکی است."

● تهران

کارگران داروپخش در تهراندراک انتخابات برای تشکیل شورای واقعی خود هستند. کارگران پیشرو این کارخانه در رابطه با انتخابات شورا اعلامیه ای منتشر نموده اند. در قسمتی از این اعلامیه می نویسد: "در این میان انجمن اسلامی سعی بر آن دارد که خود را انقلابی و طرفدار کارگران جا بزند، غافل از اینکه هنوز یاردمان نرفته همین افراد انجمن در اسفند ماه ۵۸ چه بر سر کارگران اعتصابی آوردند و یاقبل از عید همین امسال وقتی ساعت کارمان اضافه شد چطور از وزارت

کا رومدیر کارخانه بشتبنا بی میکردند... حالوظیفه ما کارگران است که با شرکت فعال در انتخابات نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنیم. سپس خصوصیات نماینده واقعی را بر شمرده که در بخشهای از آن آمده است: "۵- بطور مرتب با تشکیل مجمع عمومی کارگران را از فعالیتهای خود با خبر کرده و از نظرات آنها استفاده کند. ۶- همواره منافع عمومی کارگران را به منافع فردی خود ترجیح داده و با هیچ دستگاه و مقامی بر علیه کارگران سازش نکند."

"گول دروغ پردازی کردستان می مزدور را نخوریم" نام اعلامیه ای است که کارگران پیشرو کما (کارخانه مخابرات ایران) منتشر نموده اند. در این اعلامیه ضمن اشاره به یکی از ابتدائی ترین خواستهای زنان کارگری یعنی ایجاد شیرخوارگاه و مهد کودک، به سنگ اندازیها و بیانه های کردستانی (مدیر کارخانه) اشاره کرده و سپس مینویسد: "کردستانی همه عوامل سرمایه داری از بر آوردن خواستهای کارگران سرباز می زنند. آنها تا زمانی که ما بدون شکل و جدا از هم هستیم جوابی به خواسته های ما نخواهند داد. ما تنها زمانی که در یک شورای انقلابی متشکل شده و به مبارزاتی متحد و یکپارچه دست بزنیم، قادر خواهیم بود این خواست برحق خود را به دست آوریم. خواسته هایمان را از جنگ و حلقه سوم سرمایه داران و نوکران آنها بیرون بکشیم."

مبارزه برای دریافت ۲۰ روز سود ویژه در بسیاری از کارخانجات جریان دارد. سرمایه داران در مقابل این خواست بحق کارگران، با تئین بودن سطح تولید را بهانه کرده و با اتکاء به بخشنامه دولت از دادن ۲۰ روز سود ویژه خودداری می کنند. کارگران پیشرو ایران و لوندور در رابطه با این مسئله تراکتی منتشر نموده اند. در این تراکت پس از طرح خواست کارگران در این رابطه می نویسد: "تنها راه این است که با تشکیل یک شورای واقعی و انتخاب هیئت تحقیق کارگری میزان تولید و سودا مسا را حساب کنیم و دروغگوئی سرمایه داران را با لوصفت را افشاء نمائیم. مدیران دولتی در کارخانهها این ناسیونال هم قصد داشتند با استفاده از این بخشنامه از پرداخت ۲۰ روز خودداری کنند اما در ایران ناسیونال بدون توجه به این حرفها با اعتصاب سه روزه قدرت اتحادیوگانگی این مبلغ را از حلقوم سرمایه داران بیرون کشیدند."

کارگران کفش جم نیز برای دریافت ۲۰ روز حق تولید و سایر خواستهایشان مبارزاتی داشته اند. کارگران پیشرو گروه صنعتی بلادرابطه با این مبارزات اعلامیه ای با نام "مبارزه برای تشکیل شورای انقلابی ضامن پیروزی کارگران است" منتشر نموده اند. در این اعلامیه بقیه در صفحه ۸

برای مقابله با توطئه های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...) هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم



شیراز

شوراهای کارکنان صنعت نفت بر اثر تجربه‌ای که از مبارزاتشان آموختند به ضرورت همکاری و حمایت همه‌شوراها بنا بکدیگری برده‌اند از اینرو برای پاسخگویی به این ضرورت، شورای کارکنان پالایشگاه شیراز و شورای کارکنان صنعت نفت آبادان در تاریخ ۶۰/۱/۹ جلسه مشترکی داشته‌اند، در این جلسه مسائل و مشکلات هریک مطرح شده و راه حل‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. این دو شورا به این نتیجه رسیده‌اند که نمیتوان از با لاینها انتظار رکمک داشت و تنها ضامن پیروزی آنها همبستگی کلیه شوراهای صنعت نفت است. در این جلسه بر حمایت شوراهای از یکدیگر برای دستیابی به خواسته‌های بحق کارکنان هریک از بخش‌های صنعت نفت تأکید شد و تدوین یک خط و مشی مشترک برای کلیه شوراهای صنعت نفت ضروری شناخته شد.

روز سه‌شنبه ۶۰/۱/۱۱ مجمع عمومی کارکنان جنگزده صنعت نفت در شیراز برگزار شد. در این مجمع علاوه بر مسائلی چون بازنشستگی، خواربار، پرداخت عیدی، مسائلی در رابطه با مسئول ستاد امور جنگزدگان و شوراهای شاغلین، خبر دستگیری دو تن دیگر از کارکنان نیز به اطلاع افراد حاضر در جلسه رسید. یکی از نمایندگان درباره وضع نماینده‌زندانان چنین اظهار داشت: "چند ماه است که با کمال حسن نیت از این اداره به آن اداره میرویم طبق آخرین تصمیمی که داشتیم به وزارت کشور جهت آزادی نماینده‌ها رفتیم. نتیجه‌ای که تاکنون گرفته‌ایم این است که نمایندگان ما را فقط در رابطه با شکایت سادات کفیل وزارت نفت دستگیر کرده‌اند و بی‌برده‌ایم که اوشاکی خصوصی نمایندگان ما می‌باشد!"

جنگزدگان صنعت نفت روز ۶۰/۱/۲۰ طبق قرار قبلی برای تشکیل مجمع

همراه با وجوب مسازات کارکنان در زمینه‌های گوناگون، رژیم‌مهروری اسلامی به مقابله شدیدتر با کارکنان پرداخته است و هر روز بیشتر از گذشته به دست آورده‌های مبارزات کارکنان به توسل به سرکوب و اختناق به‌کار می‌آورد. یکی از محورهای این رودروئی کارکنان رژیم جمهوری اسلامی اکنون شوراها هستند. کارگران که در اثر تخریب مبارزاتی خود هر چه بیشتر به لزوم وحدت و تشکل برای پیشبرد مبارزات خود پی برده‌اند از اینرو تلاش برای ایجاد شوراهای انقلابی را شدت بخشیده‌اند، بطوریکه اکنون مبارزه برای تشکیل

عمومی به محلی که استانداری در اختیارشان گذاشته بود مراجعه کردند. علیرغم اینکه محل توسط پاسداران کنترل میشد و به شناسائی افرادی پرداخته هر هفته مجمع عمومی تشکیل میشد. اما در این روزها مورین اداره حراست و چند ما مور شهر با نی به آنجا آمده و قصد برهم زدن تجمع را دارند که موفق نمیشوند. پس از اینکه کارکنان با سختی زیاد و بهانه‌های مختلف وارد ساختمان شدند، پاسداران کمیته مرکزی شیراز به محل تجمع آمدند و با توسل به قانون احزاب و گروهها تشکیل این مجمع را غیرقانونی دانستند. اما جنگزدگان مبارز صنعت نفت شیراز با تمام مشکلاتی که سپاه و... بوجود آورده بودند مجمع عمومی شان را تشکیل دادند.

ماهشهر

دو نفر از نمایندگان کارکنان جنگزده صنعت نفت در ماهشهر توسط سپاه پاسداران دستگیر شده‌اند. یکی از دستگیر شدگان نماینده شورای سراسری جنگزده‌گان است که برای بهبود وضع آوارگان جنگ فعالیت میکند.

تهران

روز سه‌شنبه ۲۵ فروردین، شورای عالی صنایع دفاع، کنکره‌ای فرمایشی برگزار نمود. از آنجا که اکثر شوراهای صنایع دفاع فرمایشی هستند، نمایندگان شرکت کننده در این کنکره اکثر از عوام مسل مدیریت و انجمن اسلامی بودند. در این کنکره درباره اساسنامه شورابحث شد. در اساسنامه قبلی که توسط نمایندگان واقعی کارکنان کارخانجات مختلف صنایع دفاع و در حمایت از منافع کارکنان و زحمتکشان تصویب شده بود، تغییرات اساسی داده شد. بعنوان نمونه مفاهیم ضد استعمار، ضد استعمار، ضد استبداد از اهداف شورا حذف شد؛ و اینها اینکه نمایندگان انتخاب شده‌اند توسط انجمن اسلامی و اداره سیاسی.

شوراها، تجدید انتخابات شوراهای فرمانی، افساء و اخراج افراد مزدورو سازشکار از شوراها، تشکیل مجمع عمومی در بسیاری از کارخانجات توسط... و در بسیاری از کارکنان جریان دارد. از سوی دیگر رژیم جمهوری اسلامی با شیوه‌های گوناگون از انحلال شوراهای انقلابی، دستگیری و اخراج نمایندگان واقعی و... گرفته تا جلوگیری از تشکیل مجمع عمومی، به مقابله با کارکنان پرداخته است. اخبار زیر نمونه‌هایی از این رودروئی است. کشاورزان میان سرمایه‌داران و دولتشان برای تهیه کردن شوراها از محتوای انقلابیشان و مبارزه کارکنان برای ایجاد و تبدیل شوراها به وسیله ای موشربرای کسب خواسته‌هایشان و پیشبرد انقلاب است.

ایدئولوژیک تأیید شوند!! و... از آنجا که کنکره با اعمال نفوذ و استگان رژیم حامی سرمایه‌داران تشکیل شده اعتراضات نمایندگان هم که مخالف مواد ضد کارگری اساسنامه جدید بودند با بی‌نرسید، اما کارکنان مبارز صنایع دفاع تسلیم این اقدامات ضد انقلابی نخواهند شد.

کارکنان پنجا شرکت پشتیبانی و نوسازی هلیکوپترهای ایران (بسیار حفظ شورای انقلابی خود میکوشند. در مجمع عمومی ای که شورای کارخانه در روز ۶۰/۲/۷ علیرغم مخالفت‌های مدیر عامل و انجمن اسلامی برای گزارش به کارکنان و پاسخگویی به سئوالات آنان تشکیل داده بود اکثریت کارکنان شرکت کردند، و این در شرایطی بود که مدیریت اعلام کرده بود که "هر کس در مجمع عمومی شرکت کند غایب محسوب میشود!" کارکنان پنجا در این مجمع وحدت خود و شورایشان را تحکیم بخشیده و مشت محکمی بر دهان مدیرعامل و انجمن اسلامی کوبیدند.

کارکنان مبارز مکانیک، نمایندگان سازشکار و شورای فرمانی را برسمیت نشناخته و مدیریت را وادار کردند که انتخابات را مردود اعلام نماید. در سایر کارخانجات صنایع دفاع نیز چون پارچین، صنایع هواپیمائی، گما، جنگ افزار سازی و... کارکنان در حال مبارز برای تشکیل شوراهای انقلابی خود میباشند.

کارکنان کارخانه فیلور نیز با آئین نامه وزارت کار برای انتخابات وظایف شوراها به مخالفت برخاستند. نمایندگان مترقی قسمتها به افسسای مواد آئین نامه پرداختند و طی جلساتی افراد انجمن اسلامی و شورای فرمانی را که موافق پیاده شدن آئین نامه هستند به محاکمه کشیدند، یکی از جلسات در حالیکه نمایندگان قسمتی، افسراد بقیه در صفحه ۱۲

رهبری طبقه کارگران پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است



سرکوب دهکده داران به بهانه انقلاب فرهنگی

با ردیکردن روز سه شنبه ۱۵ اردیبهشت ماه بسیاری از دهکده داران اطراف خیابان مصدق در محدوده خیابان فاطمی و میدان ولی عصر توسط کمیته مرکز و با حکم دادگاه مبارزه با منکرات تخریب شد. ما بارها گفته ایم دولت جمهوری اسلامی خود مسبب اصلی رشد روزافزون و بیکاری فقرتوده ها است و دهکده داری نیز یکی از عوارض بیکاری و یکی از اشکال بیکاری پنهان می باشد. رژیم در عوض مبارزه با بیکاری به مبارزه با بیکاران پرداخته و هر روز به بهانه های گوناگون دست به تخریب دهکده ها میزند. باید دانست که این شکل از برخورد بجز اینکه صاحبان دهکده ها را که مسلماً "براشرف و تنگدستی و بیکاری به این کار روی آورده اند" به کارهای بی چون دزدی و گدائی روانه سازد نتیجه ای در پی نخواهد داشت.

اما نکته جالب اینجاست که اینبار دولت ادعا میکند نه بخاطر زیبائی شهر (که بهانه تخریب های قبلی دهکده ها بود) بلکه بخاطر مبارزه با فروش نوارهای مبتذل دست به این عمل زده است. در این مساله دونگنه نهفته است اول آنکه با کمی توجه به عملکرد دوسال گذشته رژیم بخوبی روشن میشود که دلیل اصلی حملات وحشیانه به دهکده ها فقط مبارزه با نوارهای مبتذل نبوده بلکه این عمل نیز در ادامه سیاستهای سرکوبگرانه رژیم در مقابل بله با گروهها و نیروهای مترقی است. در این رابطه روزنامه جمهوری اسلامی ۲/۱۶ مینویسد "جمع آوری دهکده ها بدلیل پخش نوارهای مبتذل و عامیانه و نوارهای گروهکها و سازمانهای سیاسی بوده است".

اما نکته دیگر اینکه نه تنها نمیتوان وجود نوارهای مبتذل و مهوع را انکار نمود بلکه باید به رشد روزافزون گرایش به اینچنین فرهنگی که نمونه با رزان در افزایش فروش اینگونه نوارهاست اذعان کرد. اما باید پرسید چه کسی مسبب اصلی روی آوری توده ها به فرهنگی اینچنین مبتذل است؟ مسلماً مسبب اصلی کسی بجز رژیم جمهوری اسلامی و سرمداران آن نیست.

شاه جلاد جهت پیشبرد سیاستهای امپریالیسم جهانی سعی داشت فرهنگ مبتذل و کثیفی را در سطح توده ها اشاعه دهد تا بدین طریق در عین ایجاد بازار وسیع جهت غارت و چپاول هر چه بیشتر خلقها از جمله تجارت مواد مخدر، مشروبات الکلی و... بتواند با تخدیر افکار توده ها خلوی مبارزات آنان سدی ایجاد نموده افکار جوانان زحمتکش را به انحراف بکشد. توده های خلق زمانی که بسا

جانبا زیبایی قهرمانان خود قیام کردند انتظار داشتند تا تمامی مناسبات رژیم شاهنشاهی تغییر بی بنیادی کند، توده ها همانگونه که انتظار تحقق استقلال، کار مسکن و آزادی را داشتند، فرهنگی انقلابی، هنری انقلابی و روابطی انقلابی بر جامعه مسلط گردد. و بحق نیز در این راه گامهای مثبتی برداشتند، بخاطر این و بر سرده های قبل و پس از قیام چه شور و شوقی بر توده ها حاکم بود، چگونه همیاری و کمک به یکدیگر در تمامی وجوه زندگی مردم حاکم گشته بود، چگونه حرکات مبتدل، فرهنگ کثیف شاهنشاهی، الفاظ رکیک و همه و همه به سطحی بسیار رنازل تنزل یافته بود و چگونه حتی دزدی و قتل، آمار بی سابقه داشت. اما رژیم جمهوری اسلامی از ابتدا همانگونه که تمامی زمینه های انقلاب را سد کرد در این زمینه نیز به سدی در جلوی رشد فرهنگ انقلابی توده ها بدل شد. رژیم که از ابتدا به بازاری تمامی جنبه های سرمایه داری وابسته همت گماشته بود از سویی جلوی اشاعه و رشد فرهنگ انقلابی توسط نیروهای مترقی را گرفت و به سرکوب آنان پرداخت. همه بیاد دارند که چگونه نمایندگان انقلابی، تا تره های مترقی اجازه نمایش نمی یافتند و با موردی ترش قرار می گرفتند. چگونه جلوی ورود نیروهای انقلابی به رادیو و تلویزیون سدگشت و نیروهای انقلابی موجود نیز تصفیه شدند. چگونه دستگاههای سانسور مطبوعات و سینما بازاری شد، چگونه جلوی انتشار تشریحات و مطبوعات مترقی گرفته شد و چگونه فیلمهای انقلابی یا اجازه نمایش نیافت و یا به زیر قیچی سانسور تکه تکه شد. بدین طریق رژیم جمهوری اسلامی به مقابله با هرگونه فرهنگ انقلابی و مترقی برخاست.

از سوی دیگر با در انحصار گرفتن تمامی وسایل ارتباط جمعی به اشاعه فرهنگی ارتجاعی پرداخت. سینماها با ردیکردن صحنه تاخت و تاز فیلمهای کاراته و وسترن و سایر فیلمهای آمریکائی گشت سینمای مبتذل تجارتنی اینبار در راه ساختن فیلمهای "مکتبی" قرار گرفت. رادیو و تلویزیون به مرکز اشاعه فرهنگ ارتجاعی و دامن زدن به خرافات بدل شد. رژیم بدین طریق با جلوگیری از ارائه و اشاعه هرگونه فرهنگ و هنر انقلابی و با دست زدن به اشاعه فرهنگی ارتجاعی زمینه مساعدی جهت رشد فرهنگ مبتدل فراهم آورده است.

اما مساله دیگری که باید در نظر داشت اینست که رژیم جمهوری اسلامی حتی در شیوه به اصطلاح مبارزه خود بسا مظاهر این فرهنگ مبتذل نیز فقط و فقط در جهت سرکوب توده ها حرکت میکند و بسا شاهدیم که دهکده داران زحمتکش هر روز به بهانه جلوگیری از فساد و فحشاء و نوارهای مبتذل سرکوب می شوند اما تجار و سرمایه داران به راحتی به تجارت پرسود ویدیوهای رنگارنگ و تریپتیکواندن کلوب و باشگاه ویدیو و کراپه و فروش کثیف ترین و مبتذل ترین فیلمها و نوارها و مجلات مشغولند.

شهرداری همچنان در خدمت طبقات مرفه!



در کیهان یکشنبه ۱۳ اردیبهشت می خوانیم: اهالی فیروز آباد، حمل زباله هایشان را را با "بعده گرفته" و در مشروح گزارش آمده که: اهالی فیروز آباد شهری با جمع آوری ۵۲ هزار تومان، ماشین خریدند و از سوی شورای محل یک را بنده و رفتگر نیز برای حمل زباله های خود استخدام کردند.

این امر در حالی صورت میگیرد که در شمال شهر، هر صبح ماشینهای حمل زباله شهرداری به جمع آوری خاکریزها می پردازد و هر کوی و بزرگ یک ما مور نظافت مخصوصی دارد. اما در مناطقی جنوبی شهر که محرومترین و در عین حال زحمتکش ترین هموطنان ما زندگی میکنند آنقدر زباله ها برجای مانده که کوچه های تنگ و معابر محدود را مسدود می کنند و محل تجمع مگس و رش میگرها می شود بطوریکه مردم محل مجبور می شوند بخشی از درآمد ناچیزشان را صرف خرید ماشین و استخدام رفتگر نمایند.

دلیلش روشن است دولتی که حامی طبقات مرفه و سرمایه داران و تجار بزرگ باشد طبیعتاً است که بیشترین امکانات رفاهی را برای آنان در نظر میگیرد. اگر شهرداری امکان نظافت و جمع آوری زباله را ندارد چگونه است که در شمال شهر این امکان وجود دارد و در جنوب شهر و مناطق فقیرنشین، مردم خود مجبور به تهیه ماشین حمل زباله می شوند. اگر هنوز مردم زحمتکش ما حتی از کمترین حقوق یک شهروند محرومان این خود دلیلی است بر ماهیت دولت و هر روز که می گذرد توده ها در تجربه روزمره بیش از پیش به ماهیت ضد انقلابی رژیم پی میبرند. زحمتکشان میهن ما با ایدیا و تشکلات خود در شورا های محلی و اعتراضات مداوم دولت را وادارند تا اینکه حداقل امکانات رفاهی و بهداشتی از جمله ماشین حمل زباله را برای آنها فراهم آورد. تنها و تنها مبارزه و پیگیری است که دولت را مجبور خواهد کرد همین حداقل امکانات را فراهم آورد.

با انکاء به نیروی توده ها برای صلح دموکراتیک در کردستان بکوشیم

گلوله پاسخ خواسته‌های گارگران بند امام خمینی

در آستانه اول ماه مه - رورج‌هایی
کارگر- رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی
ایران توسط پاسداران جنایتکارش -
کارگران بارانداز بندر "امام خمینی" را
که برای برآوردن خواسته‌های صنفی خویش
دست به راهپیمایی زده بودند به خاک و خون
کشید. پس از این حادثه، خشم و کینه
کارگران و زحمتکشان سریندر را در بر
گرفت و سعله‌های اعتراضی از هر سو بلند شد.
روز دوشنبه ۶۰/۲/۷ کارگران تخلیه
و بازگویی بندر امام خمینی که از مدت‌ها
پیش برای برآوردن خواسته‌های ابتدایی
خویش در حالت اعتراض به سر می‌بردند،
به منظور احقاق حقوق خود دست از کسار
کشیدند. خواسته‌های کارگران عبارت است
از اضافه حقوق، مسائیل بیمه و رفاهی از
قبیل کلاه، دستکش، نواله، آب، یخ، -
آمیولانس (لازم به تذکر است که چندین بار اثر
بریدن طناب جرثقیل، محموله نیروی کارگران
افتاد و چون آمیولانس نبود، چهار تن به
علت نرسیدن به بیمارستان بکشته شدند.)
روز دوشنبه ساعت ۷/۳۰ صبح کارگران
در پیگیری خواسته‌های خود، دست به
راهپیمایی زدند. راهپیمایی بلافاصله
با استقبال سایر کارگران بندر و نیرو
شد. بعد از مدتی راهپیمایی، پاسداران به
صف کارگران یورش برده و به سوی آنان
تیراندازی کردند که چند تن از کارگران
زخمی شدند.

عمل وحشیانه پاسداران خشم و تنفر
کارگران و سایر توده‌ها از حمتکش را بر
انگیخت. در تمامی شهر صحبت از سرکوب
کارگران توسط پاسداران سرما می‌شد
بود. کارگران نیز در ادامه مبارزه خود،
شهردار را به گروگان گرفته و به افشا -
ما هیت ضد مردمی رژیم پرداختند. کارگران
فرباد می‌زدند: چندین سال است که کمر
ما زیر بارین کار خمشده، قبلا پیمان -
کاران ریز و درشت حق ما را می‌خورند،
حال پیمان کار بزرگتری به اسم دولت، مگر
ما چی گفتیم، چه خواستیم که جوایمان را با
گلوله دادند، آیا ما در کرمای ۵۰ درجه
با یزیربایرهای سنگین لاله بزنیم حق
نداریم آب خنکی داشته باشیم؟ حقوق ما
مگر چقدر بود که با زان کم کردند با این
گزائی چکار کنیم؟

عمر سه شنبه ۶۰/۲/۸ مجدداً "کارگران
و مردمی که از آنها حمایت می‌کردند، برای
انجام تظاهرات جمع شدند، راهپیمایی
با شعار "کارگران ندای به همت توده‌ها آزاد
با یزیربایر" شروع شد، توده‌ها از راهپیمایی
استقبال می‌کردند، طنین شعار "کارگران
اتحاد، زحمتکشان اتحاد علیه امپریالیسم
علیه سرمایه‌دار، شور و هیجان، یکپارچگی
در زحمتکشان ایجاد می‌کرد. شعارها
دیگری مانند "شورا، شورا سنگرزحمتکشان"
در میان جمعیت طنین افکن بود.

روز بعد، چهارشنبه ۶۰/۲/۹، خانواده -
های کارگران بازداشتی ضمن بستن
راهپیمایی خواستار آزادی بستگان خود
شدند. مبارزات کارگران بندر امام خمینی
با بیان نیافت و کماکان در جهت کسب
حقوق حقه و خه پیش ادا می‌داشت.

مفهوم مستضعف در قاموس جمهوری اسلامی!

خانه‌ها ایشان را بگیرند و نمی توانند
دست دیگران است.....
عجبا از این همه وقاحت که مستضعفان
خانه‌های متعدد دارند، بطوریکه آنها را
اجاره داده‌اند و اکنون می خواهند
خانه‌ها ایشان را پس بگیرند و نمی‌توانند
و بهمین دلیل مجلس به کمک آنان
شتافته تا یکمک دادگاهها خانه‌ها ایشان
تخلیه و مسترد شود و بقیه بیشتر اجاره
داده شود. لابد مستکبرین هم در بند
بدنیاال سرپناهی می‌گردند.

اگر تاکنون رژیم جمهوری اسلامی
تحت پوشش شعارهای دفاع از مستضعفین،
در عمل اما بصورتی مزورانه دفاع از
مستکبرین می‌کرد اما اینک بانام میدان
سرما یه‌داران و صاحبان مسکن متعدد
با لفظ مستضعف به دفاع آشکار از آنان
پرداخته است و قانون فوق نیز نمونه
مشخص آنست.

اما مردم زحمتکش و تحت ستم ما
دیگر کول شعارهای فریبنده و دروغین
رژیم را نخوده و تا زمانیکه صاحب مسکن
نشوند علی‌رغم رای مجلس و احکام
دادگاهها، تسلیم تخلیه منازل نشده و
شعار ما دره‌خانه‌های متعدد سرما یه‌داران
را در عمل تحقق می‌بخشند.

دو هفته پیش لایحه مربوط به
بوقف اجرای احکام دادگاهها جهت
تخلیه منازل استیجاری در مجلس رد شد
و بدینال آن‌ها شمی رفسنجانی رئیس
مجلس در مصاحبه‌ای که در روزنامه‌های
سه شنبه ۱۵ اردیبهشت بجا برسد به
دفاع از این مضمونه مجلس پرداخته
طبق معمول تحت پوشش بی‌باکیت زیرکانه
دفاع از مستضعفین.

او در پاسخ متذکر شده که می‌پرسد
"اینکه مستاجرین در زمان رژیم گذشته
مورد ستم بوده‌اند و امروز هم اجاره‌نشینان
مستضعف با پرداخت اجاره‌های اجاره‌بهای
سنگین که نگاه کل در آمد آنها را می‌بلعد،
مورد استعمار لکان مستکبر و قسح
می‌شوند، جمهوری اسلامی چه موقع و چگونه
آنها را مورد حمایت قرار میدهد؟" گفت...

مدتی بود که اسطرا لایحه مالک و
مستاجر، یک مسکنی بود که موقتا "خلوی
در بدری مستاجران گرفتند و دولتی
نقاط ضعفی هم داشت. من جمله اینکه
حل این موارد بطور نیست که مستکبر
بخواهد مستضعف را از منزلش بیرون کند
کاهی هم بعکس بود و موارد زیادی به
مخسار آراشد شده بود که نشان می‌دهد،
مستضعفینی هم هستند که می‌خواهند

این دکتر بزرگ روش است نه دکتر بزرگ بی

دکتر نیک روش، شهردار تهران طی سالی
مباحثه‌ای اعلام کرد که شهرداری تهران
مصمم است خانه متجاوزین به اراضی
دولتی و غیر دولتی را همچنان بر سرشان
خراب کند، مصمم است ریشه‌دکداری را از
بیخ بر کند، زیرا دکدداران سعی در بر
هم زدن نظم عمومی دارند، مصمم است
برای حل معضل ترافیک، در همراهی با
"پیکان گزائی" شرکت ایران ناسیونال
که سفارش خرید قطعات ۵۰۰ هزار پیکان را



از اعلامیه‌ها، تراکتها و نشریات
بقیه از صفحه ۵

می‌نویسند: "اعتصاب کارگران مبارز
کفش جم در روزهای یکشنبه و دوشنبه ۳۰ و
۳۱ فروردین ماه جواب دندان شکنی به
مدیریت ضدکارگر کارخانه و دولت حامی
آنان بود. در ادامه پس از ذکر مخالفت
مدیر با خواسته‌های کارگران، به شرح
فعالیت مدیریت و انجمن اسلامی و
نمایندگان سازشکار شورا برای جلوگیری
از حرکت کارگران و ایجاد تفرقه بین
آنان می‌پرداخت. در ادامه خطاب به
کارگران کفش بلا جم و مهپوش می‌نویسند:
اعتصاب کارگران کفش جم قدرت اتحاد
کارگران را نشان داد و تنها با حمایت
متحد و متشکل ما از این مبارزات است
که مدیران و دولت حامی آنان را به
عقب نشینی وادار خواهد ساخت. یکپارچه
و یکپارچه مبارزه برای تحقق خواسته‌هایمان
با تشکیل شورای انقلابی ادامه دهیم.
پس سوی تشکیل شورای انقلابی
کارخانه!"

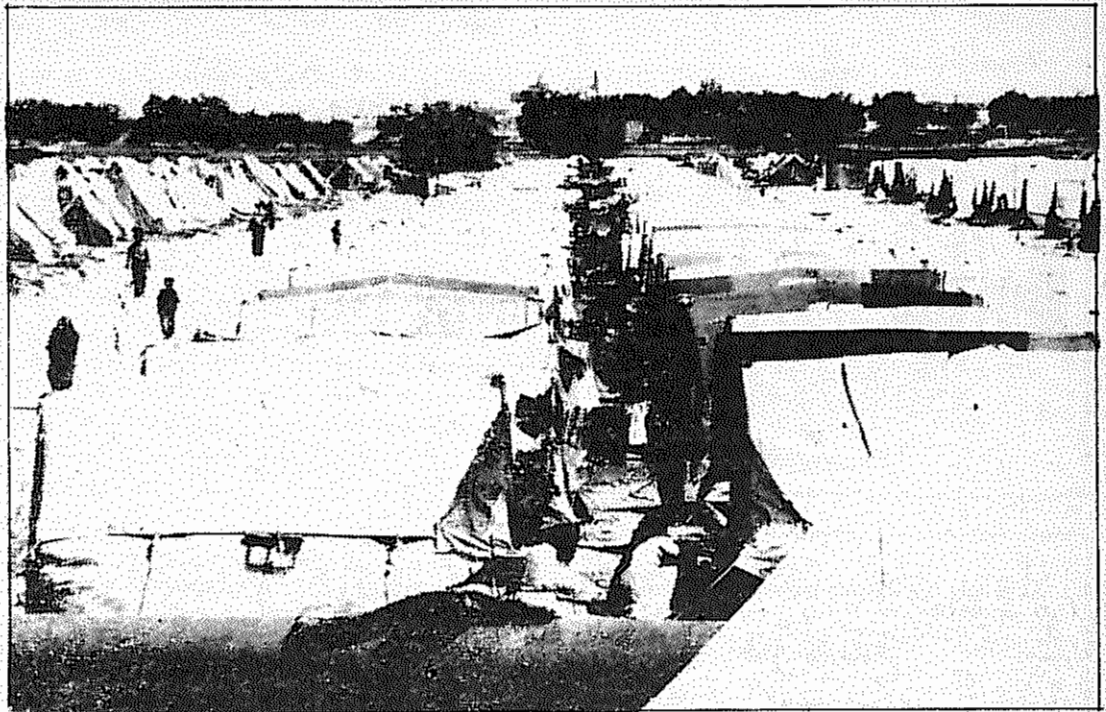
داده، امرا حداث مترو را در تهران (البته
بخرج مردم تهران) پیگیری کند.
از آنجا که این اقدامات و تصمیمات
مردم را به یاد دکتر نیک بی معدوم -
میان‌دازد، باید منتظر بود به ساق محمد
رضا مهدوی که شبا هت اسمی خود را با محمد
رضا پهلوی تکذیب کرد، شبا هت اسم دکتر
نیک روش با دکتر نیک بی و شبا هت سطحی
اعمال و نیات شان نیز تکذیب شود. همان
طور که تاکنون شبا هت "ماده صد" شهرداری
شاهنشاهی و ماده صد شهرداری اسلامی تهران
که به استناد آن خانه‌های مردم زحمتکش
با یولد و زوهای "اسلامی" بر سرشان خراب
میشود، تکذیب شده است.

کارگران پیشرو فیلورا علامیه‌ای
تحت عنوان "آئین نامه شوراها: به نفع
سرما یه‌داران، علیه کارگران!" منتشر
نموده‌اند. در این اعلامیه پس از اشاره
به آئین نامه شوراها که از طرف وزارت
کار بمنظور تشکیل شوراها ی قلابی و تهی
کردن شوراها از مضمون انقلابی صورت
گرفته، می‌نویسند:

"ما می‌گوئیم: تنها خود کارگران حق
دارند در باره نمایندگان خود اظهار نظر
نمایند. نه کسانی که در وزارت سرما یه
لم داده‌اند. ما می‌گوئیم: آئین نامه
شوراها و همه قوانین کار باید توسط
مجمعی از نمایندگان منتخب کارگران
نوشته شود، نه نمایندگان سرما یه‌داران
در وزارت کار که بعد از گذشت ۲ سال از
سرنگونی رژیم جنایتکار شاه هنوز
ماده ۳۳ قانون ضدکارگری آریا مهری را
اجرا می‌کنند. بکوشیم با انتخاب
نمایندگان واقعی شورا را به سنگری علیه
امپریالیسم و سرما یه‌داران تبدیل
کنیم."

برآوارگان چه می گذرد؟

ایذه



یکی از اردوگاه های آوارگان، دهم دوم ۱۳۶۰

شهرستان ایذه که در ۲۴۰ کیلومتری اهواز قرار دارد نزدیکین هزاره آواره را در خود جای داده است. ۱۲۰۰ دستکساده، ۲۵ دستکساده منازل سازمانی، صد دستکساده منازل معلمان، خاهاهی هستند که در آوارگان در آنجا سکونت دارند. همچنین چندین خانوار در معارفه های بازار روز که شرایط بهداشتی بسیار بد و نامناسبی دارد، بستوته کرده اند. درد انسانی را می بینیم. مقدمانی نیز که هنوز ساختمان آن کامل نیست، گروهی از آوارگان در اطراف پای بی درونجره و خا درها زندگی می کنند. زمستانهای ایذه خیلی سرد است و آوارگان، ریمان سخی را سبزی کردند و اکنون با فرا رسیدن فصل سرما، اوضاع اسفبار و وحیم بهداشتی، کم آبی کربانگیر آنان است. آوارگان ساکن ایذه نیز از بابت مواد غذایی، وسایل زندگی و بی پولی و دوا و درمان شدیداً در مصیقه هستند. یکی از زبان عرب خرمشهری آواره می گفت: "این هم بد زندگی، مگر ما انقلاب کردیم که آواره شویم، ابر حنک را ما بدخنیها با بد حمل کنیم، سوهرم ارکا را فاده و هیچ کسی نیست که زندگی ما را نماند کند، با هزار داد و بیداد یکی دوبار از فرمانداری - ممداری برنج و روغن گرفتیم. این بچه ها، احتیاج به غذا دارند، چه کار کنیم، سرم کدائی بچه ها مریض شدند، نه دکتسر دولتی رفتیم، دکتسرت با بدویزیست بدهی، از آن طرف دولت هی داد میزنند، بهداشت، مکانی، فلان مکانی، بس کو؟"

امیدیه اهواز

در ساختمانهای بلوکی بی سقف و در بیکرا شیشه ای خبا بان اصلی امیدیه، و در جا درهائی که در محوطه های مسطح بلوکی ها برپاست، بیش از هزار آواره در شرایطی نامناسب و سخت اسکان یافته اند. خانواده های آواره با پلاستیک و چادر و چیزهای از آب و پن قبیله، سقف ساخته اند، اخیراً "طوفان پلاستیک" سقف یک خانه را از جا کند و بلوکی سیمانی که آنرا نگه می داشت سر روی نوزادی افتاد و او را کشت.

لجن و خاک سراسر محوطه ای مجموعه را پوشانده است، بچه ها در خاک و خیل وول می خورند، شیرهای آب بسیار کم هستند و فقط بعضی از خانه ها برق دارد. اکثر خانواده ها از جوب و "پن" برای سوخت استفاده می کنند. آوارگان اینجا عمدتاً از کسا و رزان محروم خلق عرب هستند، به همین دلیل کا و کوفسندی اکردا شنه اند به همراه خود آورده اند. همچنین مثل خیلی از اردوگاه های دیگر اینان با ایجاد تنور، نان مورد نیاز خود را می بزند. به این اردوگاه هر روز بعد در صفحه ۱۲

گزارشهایی از اردوگاه های آوارگان

رامهرمز، تبعیدگاه آوارگان

آبادان و سایر مناطق حنک رده ای این شهر پناه آورده اند. در حدود هفتاد هزار تن از این آوارگان در روستاها زندگی می کنند و بقیه در مدارس، اسنادیوم، پیشاهنگی و در چند اردوگاه خارج از شهر اسکان یافته اند. علاوه بر این در حاشه شهر و خیابانهای آن، خانواده های آواره جا در زده اند.

حتی در بهترین مناطق آوارگان، سبزی را می بینیم که اردوگاه های شهرک "فخر آزادی"، سلمان و صانویه هستند. آوارگان از عدم بهداشت، مار و عقرب، کرما و کمبود شدید خورد و خوراک و لباس، شکوه و شکایت دارند. بدیهی است که بیکاری و بی پولی راه می نماید جزوده ها مشکل جاد آوارگان به حساب آورد. اکثر آوارگان ساکن این منطقه، از محرومترین طبقات و اقشار خلق عرب ایران هستند. در اینجا همان تقسیم بندی الف و ب و ج مرسوم است. به بخش الف چون حقوق بگیرند، جیره رایگان و مستمری تعلق نمی گیرد، اما به بخش ب و ج که ۶ هزار تن می شوند، جیره رایگان و مستمری بخور و نمیزی می دهند. این جیره برای هر نفر در ماه عبارتست از: ۲ کیلو برنج، صد گرم جای ۴۵۰ گرم روغن، ۲۴۰ گرم پودر، ۱ کیلو حبوبات، ۱ کیلو خرما، ۱ کیلو پاپا زوسیت زمینی، ۵ کیلو آرد (که سهمیه اصلی ۹ کیلو است) بقیه در صفحه ۱۲

رامهرمز عمدتاً "منطقه ای کشاورزی است و امکانات رفاهی بسیار کم است و ناقصی دارد. جمعیت شهر و حومه آن ۷۵ هزار تن می شود. خود را مهریزی ها شهرشان را تبعیدگاه می نامند، همه ی کمبودهای رفاهی و شهری با عوارض و عوامل نامساعد طبیعی و جوی، دست به دست هم داده و محیطی بسیار طاقت فرسا برای زندگی بوجود آورده اند، آنچنان که برای اهالی حالت تبعیدگاه دارد. آب آشامیدنی شهر خیلی کثیف است. البته همین آب کثیف هم بسیاری اوقات در ۲۴ ساعت فقط ۱ ساعت جریان دارد. بیمارستان با تخت خواب ندارد و تنها یک داروخانه ای مجهز، با دواهای محدود در اینجا است. دو عدد حمام مخروبه دارد که همیشه دم در آنها، صف بسته شده است. گرمای خشکی دارد و مار و عقرب در این منطقه بسیار زیاد است. از معضلات و کمبودهای محیطی و بهداشتی که بگذریم، کمبود شدید نان، گوشت و سبزی و میوه و سایرما یحتاج اولیه، اهالی را در فشار و تنگنا قرار داده است و... با شروع جنگ، طبق آمار رسمی، حدود ۱۲ هزار تن از خرمشهر، سوسنگرد،

از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند

ادامه محاکمه انقلابیون ترکیه

باتهام کشتن مستشاران آمریکائی

مبارزات انقلابی خلق کرد در این کشور علی رغم سرکوبها و اعدای پایداری انقلابیون همچنان در حال گسترش است. هفته گذشته طی درگیریهای که در کردستان ترکیه صورت گرفت ۳ تن از اعضای حزب کارگران کردستان شهید و تعدادی دستگیر شدند. طبق یک شیوه کهنه شده بورژوازی ارتش بعد از هر درگیری معمولاً ادعای کتک جنین را ریشه کن کرده است. اما هنوز مرکب چاپ اعلامیه های نظامی خشک نشده است که انقلابیون ضربات جدیدتری را در نقطه ای دیگر برپیکر رژیم فرودمی آورند.

همزمان با گسترش مبارزات انقلابی رحمتکشان و نیروهای انقلابی ترکیه علیه دارودسته کودتاچیان آمریکائی، بیدارکامهای نظامی به محاکمات دسته جمعی انقلابیون ادامه می دهند. از جمله این محاکمات میتوان به محاکمه ۱۳۸ تن از اعضای یک سازمان انقلابی چپ به نام کونا کون از جمله کشتن ۴ مستشار آمریکائی در زمان رژیم گذشته (دسامبر ۱۹۷۹) اشاره کرد. دادستان نظامی برای رفیق حسن سن سوی رهبر و احداث تبلیغ مسلحانه این سازمان و ۵۵ تن از اعضای دیگر آن تقاضای اعدام نموده است. از سوی دیگر

جنبش جهانی

کارگری - رهائی بخش



اعتصاب تکنسینهای پرواز دریونان

۱۷۰۰ تن از تکنسینهای پرواز شرکت هواپیمائی المپیک یونان از ساعت ۵/۵ بعد از ظهر روز ۱۸/۲/۱۹۷۹ اعتصاب چهار روزه خود را آغاز کردند. اعتصاب کنندگان خواستار شرایط بهتر کار از جمله ۵ روز کار در هفته و افزایش نرخ دستمزد و گفتگوی مستقیم مدیریت با سندیکا هستند. آنها همچنین به اخراج یکی از همکاران خود که بخاطر شرکت در اعتصاب اخراج شده بود، اعتراض دارند.

دولت یونان طبق معمول همیشه سرمایه داران، این اعتصابات را غیر قانونی خواند و پلیس سرکوبگر این کشور رئیس و دبیرکل اتحادیه کارمندان را دستگیر کرد.

راهپیمائی کارگران در هند

هند - ۱۸/۲/۱۳۶۰ کارگران شهر صنعتی بنکلور در ایالت کرانای هند در اعتراض به دستگیری یکی از رهبران خود که در اعتراض به زندانی شدنش دست به اعتصاب غذا زده است اقدام به یک راهپیمائی اعتراضی کردند. راهپیمایان هم چنین خواستار افزایش دستمزد خویش به نسبت افزایش قیمت ها بودند. پلیس سرکوبگر هند طبق روال همیشگی اش در دفاع از منافع سرمایه داران، این تظاهرات کارگری را با استفاده از چماق و گاز اشک آور و سلاح موردیورش قسار داد و تعدادی از تظاهرات کنندگان را مجروح نمود.

ادامه اعتصاب قهرمانانه معدنچیان شیلی



اعتصاب ۱۰۰۰۰ کارگر مبارز معادن مس "تینته" سومین هفته خود را پشت سر گذاشت. این اقدام انقلابی کارگران تاکنون بیش از ۲ میلیون دلار به سرمایه داران غارتگر و دولت نظامی حامی آنان خسارت وارد نموده است. دولت دیکتاتور پینوشه هنوز هم از پذیرش خواسته های اعتصاب کنندگان مبنی بر افزایش حقوق به میزان ۱۸٪ - بازمی زند. پلیس فاشیستی شیلی برای درهم شکستن مقاومت کارگران انقلابی و به دفاع از سرمایه داران غارتگر، هفته پیش به صفوف کارگران یورش برد. در این حمله وحشیانه بیش از ده کارگر دستگیر و تعدادی مجروح شدند. با وجود این سرکوب، دامنه اعتصاب و مقاومت کارگران همچنان گسترده تر می شود. در همین رابطه سندیکا ی معدنچیان از کلیه اعضای خویش برای بحث و تصمیم گیری درباره مسئله افزایش دستمزدها دعوت به کرده می گردید است.

فالانژها در همه جا مخالف بازگشائی دانشگاهها هستند

فالانژیستهای لبنانی در تاریخ ۱۸/۲ با دست زدن به یکسری انفجارات در دانشگاه بیروت (کتابخانه دانشکده ادبیات - دفتر آموزش دانشکده علوم) و پاره ای از مدارس در منطقه غربی بیروت مخالفت خود را با بازگشائی این سنگرهای دانش و آزادی اعلام داشتند. این اقدامات فاشیستی بی شباهت به خیانتها نیست که حاکمیت ارتجاعی برای به تعطیل کشاندن دانشگاهها در میهن ما انجام داد. در لبنان نیز نیروهای فالانژیستی را سترا یان مدافع سرمایه داران از گشایش دانشگاهها وحشت دارند زیرا که این مراکز آنجا که عمدتاً "دربرگیرنده آگاه ترین اقشار اجتماعی است بی شک

بعنوان سنگری علیه موجودیت آنها عمل خواهد کرد. و درست بهمین دلیل است که هرگاه نیروهای انقلابی خواستار بازگشائی این مراکز بودند فالانژها با شکل مختلف از این کارمانعت بعمل آورده اند. و اکنون که ترقیخواهان لبنان به رغم همه تهدیدات و مشکلات مصمم به بازگشائی دانشگاه بیروت و سایر مراکز آموزشی واقع در منطقه تحت نفوذ خویش هستند.

فالانژها نه تنها آشکارا به این جنایتها دست می زنند بلکه حتی از پیش مسئولیت جنایتها را بعدی را نیز (در صورت بازگشائی مراکز آموزشی) قبلاً بعهده میگیرند. و این شایستگی از تفاوتهای آنها با عوام مزدور سرمایه در میهن ما با شد زیرا اینان در میان دانشجویان و مردمی که خواستار بازگشائی دانشگاه هستند تا رنجک منفجر می کنند و مسئولیت آنها را هم بعهده خود نیروهای مترقی می اندازند.

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای
رهائی بخش سراسر جهان

تا کید نمودند. و این همبستگی بین‌المللی نیروی بیشتری به خلق و نیروهای مبارز ایرلندی بخشید و آنان را در تداوم مبارزه تا پیروزی مصمم تر ساخت.

اینهمه سرعت در گسترش امواج مبارزه خلق ایرلند از یکسوخا طوره انرژی عظیمی را در ذهن ما زنده می‌کند که توسط انبوه میلیونی زخم‌تکشان میهنمان بهنگام جنبش و طول قیام خونین سال ۵۷ به نمایش گذارده شد و طوما رسالت شاه را درهم پیچید.

از سوی دیگر سرنوشت کنونی آن جنبش سراسری، بدلیل فقدان رهبری انقلابی پرولتاریا و دنباله روی طبقه کارگر از بورژوازی متوسط و خرده بورژوازی در سهای آموزشدهی برای جنبش‌رهای بخش ایرلند در برداردها و سوی دیگر این سؤالات اکنون در ارتباط با جنبش‌رهای بخش ایرلند مطرح می‌شود.

این جنبش به کجا خواهد انجامید.
آیا انقلابیون بویژه کمونیستهای ایرلندی برای کانا لیزه کردن اینهمه انرژی توده‌ای چه تدابیر بکار خواهند بست.
ارتش آزادیبخش ایرلند که اینک در راه این مبارزه قرار دارد. تا کجا و چگونه این مبارزه را پیش خواهد برد.

پاسخ به این سؤالات و بدست دادن شناخت دقیق از ماهیت طبقه‌تیره‌بری جنبش‌رهای بخش ایرلند و ماهیت سازمان‌ها و زمان‌های رهبری کننده آن از جمله ارتش آزادیبخش ایرلند مستلزم تحلیل جامع است که ما می‌کوشیم به سهم خود در مقالات بعدی به آن بپردازیم با اینهمه هم اکنون با دیدن واقعیت‌ها اعلام کنیم که جنبش‌رهای بخش ایرلند فاقد رهبری رزمنده پرولتاریاست. هنوز پیروزی حقیقی و قطعی در چشم انداز نیست. انقلابیون کمونیست ایرلندی با بدبیرای شرکت فعالانه و موثر و تعیین کننده در این جنبش به تجربه جنبش انقلابی ایران، و دیگر جنبش‌های مشابه در سطح جهان تدریجاً نهایتاً با مسئولیت برخورد کنند و از آن بیاموزند. با آگاهی به این امر که امپریالیسم انگلیس تنها در دربار سلطنتی بریتانیا لانه نکرده است امپریالیسم جهانی و طبقه بورژوازی ایرلند را فراموش نکنند. مبارزات آنها از زیر ضرب خارج شوند.



ایرلند شمالی: پلیس سرکوبگر انگلیس اما جگلوله‌های مبارزین ایرلندی

«هیوز» جانشین بابی ساندز درگذشت

خبرگزاری‌های امپریالیستی مجبور به اعتراف به این امر شدند که ۷۲ درصد از مردم انگلیس تا چررا مقصوداً نستیه و محکوم می‌نمایند و این اعتراف بی‌شک نشان‌دهنده تضادهای درونی خود امپریالیست‌ها در این رابطه است.

در هفته‌های اخیر زخم‌تکشان و آزادیخواهان در چهار سوی جهان فریاد اعتراض علیه امپریالیسم و خروش همبستگی خویش را با خلق ایرلند سر دادند و این امر همچنان ادامه دارد.

در اسلو، هنگام سفر ملکه انگلیس به تروژتظا هرکنندگان ششم‌گین نفرت خویش را با پرتاب سنگ بسوی او نشان دادند. ایتالیا یکبار چها اعتراض بود و بریگردهای سرخ‌اطاق با زرگان انگلیس را به نشان همبستگی با مبارزات خلق ایرلند منفجر کردند. در رم تظا هرکنندگان با پلیس حامی سرمایه‌داری که مسلح به چماق و گاز اشک‌آور بود درگیر شدند. در پرتغال بمبی در نزدیکی کلوب سلطنتی بریتانیا در لیسبون منفجر شد.

فرانسیس هیوز مبارز اسیر ایرلندی نیز با مرگ قهرماناناش بدنیا ل ۵۹ روز اعتصاب غذای سیاسی در زندان انگلیس، وفاداری خود را به آرمان‌رهای بخش خلق ایرلند نشان داد.

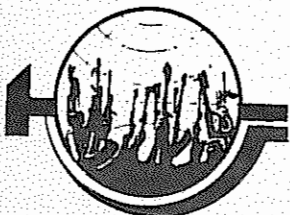
«هیوز» یکی از ۴۴ رزمنده اسیری است که بدنیا ل شهادت بابی ساندز اعلام کردند که تا برآوردن خواسته‌های که بابی بخاطر آن جان داد یکی بعد از دیگری جای او را خواهند گرفت و به اعتصاب غذای خود ادامه خواهند داد.

اعتصاب غذای مبارزین اسیر ایرلندی بعنوان یک سلاح سیاسی فعال در خدمت گسترش هر چه بیشتر مبارزات خلق این سرزمین در آمده و به نوبه خود امپریالیست‌های انگلیسی را با دشواری‌های شکننده‌ای مواجه ساخته است.

این حرکت جریه نیرومندی است که دیوارهای آهنین زندان‌های امپریالیسم انگلیس را شکافته و نقاب دروغین دمکراسی، را از چهره کریسه امپریالیست‌ها کنار زده و ماهیت ددمنشانه آنها را عریان تر نمود. این اقدام هنگامی که با چنان امواج طوفانده‌ای از جنبش سراسری توده‌های زخم‌تکشان ایرلند آمیخت همچون پتکی گران بر بیکر فرتوت امپریالیسم انگلیس ضربات کاری وارد ساخت. برای نمونه

جنبش جهانی

کاپیتولیسم - رهاسازی



مبارز ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

برآوارگان چه می گذرد؟

امیدیه... بقیه از صفحه ۹

خانوارهای جدیدی می آیند، امامشولان طبق همان سیاست فشار دولت، به آنها جا و غذا نمی دهند، بنا بر این تازه واردها یا با زهم می روند، و یا کبیر محقری در همینجا برای خود درست می کنند. بیش از ۷ هزار آواره ساکن در این بلوکی ها، نیز همچون سایر مناطق آواره نشین، از بابت کمبود رزاق، لباس، پتو، جا، بی پولی و بیکاری و عدم بهداشت رنج می کنند. آنها از استمرار جنگ و درگیری فریادشان بلند است و مدام اعتراض می کنند. یکی از آوارگان ضمن برشمردن مشکلات فراوان جنگزدگان می گفت: "اگر بزودی به وضع ما رسیدگی نکنند، به عنوان اعتراض راه پیمائی می کنیم." مردیک خانواده عیال سوار آواره نیز می گفت: "من در خرمشهر بنا بودم، بعد از جنگ آمدیم اهواز، آنجا در یک گاراژ بودیم، خمپاره آمدند، ما شدم و آمدیم اینجا، ما نفریم، بارها رفتیم برای یک جادر که سقف درست کنیم به من ندادند، التماس کردم، ما ندادند. یکی دیگر از آوارگان اردوگاه امیدیه که از اوایل قیام بیکار است ضمن بیان دردها و مشکلات خود می گوید: "این جنگ باید تمام شود، تاکی ما باید اینطور باشیم، نه جاداریم، نه زندگی اشیا نه روزی ۲ ساعت خواب ندارم، دانا "به فکر جنگ و بیکاری و بی پولی هستیم." پیرمرد نابینائی در آدامه حرفهای این مرد می گوید: "این ۷ ماه جنگ ۷۰ سال بود. جنگ تمام می شود یا نه؟ زنی با بچه ای در بغلش که نمکین و ماتم زده در چارچوب در خانه نشسته بود می گفت: "شوهرم بیکار است، پسرم بیکار است، لباس و غذا می خواهیم، هشت نفریم، کمک های مردم چرا خیلی کم به ما می رسد؟... الهی صلح بشود." زن دیگری که خسته و عصبی در صف دریافت رزاق ایستاده بود می گفت: "ما گرمی دانستیم بیه این وضعیت می افتیم، همانجا توی شهر خودمان زیر موشک و توپ می ماندیم و می مردیم." همه توده های آواره، در زندگی پر رنج و ملال آوارگی به خوبی دریا فتنه اند که این جنگ تا عادلانه و ارتجاعی جزسیاه روزی و خانه خرابی و فلاکت چیز دیگری نداشته و ندارد. بنا بر این پس از ماه ها درگیری و بدبختی کشیدن، خاتمه جنگ و برقراری صلح را می خواهند. چند مرد متفقا "در این باره می گفتند: "به نظر ما باید جنگ تمام شود و صلح کنند تا مردم بروند بر خانه و زندگی شان، جان همه به لب رسیده است ما قدر می توانیم صبر و استقامت داشته باشیم!"

رامهرمز...

بقیه از صفحه ۹

۲۰۰ گرم گوشت و سه میه ی قند و شکر. البته همین حیره، تا چیز هم به موقع و درست توزیع نمی شود. عده ای می گیرند، بد عده ای نمی رسد و یا دیر می رسد. همچنین در اینجا به کسانی که از کار افتاده اند، ما هیانه ۵۰ تومان مستمری می دهند، با توجه به موارد فوق، و فرار سیدن فصل گرما و هجوم مشکلات دیگر، ناراضی و اعتراض در میان آوارگان فوق العاده زیاد است. آوارگان هنگام مراجعه برای گرفتن وسیله و رزاق، سرمشولان داد می کشند که: "شما ها این وضع را سرما در آوردید، شما این جنگ را برای ما آوردید، شما مش کنید تا برویم سر خانه و وزندگان و از این بدبختی خلاص بشویم." در اسنادیوم رامهرمز چندین خانوار در جاده های درب و داغان و کوچک زندگی می کنند. در اولین نگاه، اوضاع وخیم بهداشتی و رفاهی دیده می شود. هر حرف و کلام ساکنان آواره اینجا مصیبت و رنج و بیان کمبودها و مشکلات است. قبل از همه بچه های رنجور با سر و روی کثیف می گویند: "ما پول دفتر و قلم می خواهیم." بعد، پدر و مادرهای زحمتکش و ستم دیده آنها درباره اوضاع خودشان حرف می زنند: "همه چیز ما را از دست دادیم، این زندگی ما ست، بیک چادر و در دو، توی این زمین خاک کوی و هوای گرم، نصفش جای اسباب و وسایل است، تونصف دیگرش هم خودم و زن و بچه ام می خوابیم. اگر حرف حق بزی می گویند خدا انقلابی، چکار کنیم، این وضع زندگی ما ست، یک باد بیا دچا درها را روی سرما خراب می کند، بهداشت و دکتر که حرفش را نزن، یک کیسه گونی را کردیم. مستراح، ماندیدیم تو این ۷ ماه کسی واقعا "بیاید و از روی دلسوزی از ما بپرسد که در درمان چیست، چه مشکلاتی داریم، چرا، چند وقت پیش رجائی نخست وزیر آمد، اما همان سر راهش با هلی کوپتر میان کولی ها نشست، و تا مردم پیش رفتند و خواستند بدبختی هاشان را بگویند، جناب نخست وزیر ترسید و حتی از هلی کوپتر بیاده نشد و رفت. اگر راست می گویند، نیم ساعت ندهد دقیقه توی همین چادر بنشینند، ببینیم طاقت می آورند؟" اینها فقط بلندند از زادیوشان مرتب بگویند فلان کار را برای جنگزدگان کردیم و فلان قدر بهشان کمک دادیم، ولی کو؟ کجاست؟ چرا ما جنگزده ها این کمک ها را نمی بینیم. حتی همین چادرها را خودمان خریده ایم!!" می گوئیم شما نمی توانید، بگذارید خودمان کارهایمان را روبراه کنیم، ریش و قیچی را بدهید دست خودمان اختیارات بدهید. اما خوب نمی دهند.

"شکایت کردیم برای مستراح، پول جمع کردیم، دادیم دست اینها، اما هنوز هیچکاری نکرده اند." می مرتب به ما می گویند، بروید اردوگاه، تو شهرکاری برای ما نمی کنند، چه رسد به اردوگاه که توی... "دروغ، دروغ، فقط دروغ تحویب... عس... در جوار اسنادیوم، پیشا هنگی و یک دبیرستان قرار دارد که در اسفند آوارگان است. لازم به یادآوری است که محصلین در زیر چادر کلاس تشکیل می دهند. در این قسمت وضع بر همان منوال اسنادیوم است، همه پرا ز فریاد و اعتراض هستند. در گوشه ای از محوطه ای پیشا هنگی، زنی با دو فرزندش روی تکه ای مقوا نشسته اند. گوئی که همین الان از زیر آوارگی بیرون شده اند. بچه ها روی زمین خوابیده اند و مگس صورت آنها را پوشانده است. زن می گوید: "ما خرمشهری بودیم و تا سه روز پیش توارها ز زندگی می کردیم اما آنجا را با توپ زدند، و مجبوراً آمدیم اینجا، الان سه روزه که دو زندگی می کنیم، ولی چادر و جا به ما نمی دهند. می گویند برو اردوگاه، کی تو این گرما می رود اردوگاه، تازه، شوهرم با یک توشه سر باشد، که صبحها برودم فلکه شایید کاری گیربیا و روزه ها می سیر بشوند. اینها که چیزی نمی دهند. رفتیم پیش امام جمعه دیدم، بهترین لباس تنش، بهترین جا را دارد، و بهترین غذا هم جلوش گذاشته و توی سایه ی خنک دارد نهار می خورد. می گویم، فکری به حال ما بکن، خیلی راحت و از روی شکم سیری می گوید، برو اردوگاه! همین." از مناطق آواره نشین داخل شهر که بگذریم، به ترتیب، اردوگاه های "فجر"، "آزادی" و "سلمان" در مسیر را مهرمز به امیدیه، قرار دارند. این اردوگاهها ظاهراً "منظم و با برنامه هستند. به جز شهرک سلمان که عمدتاً از کانتینر (اطاقهای فلزی) تشکیل شده در بقیه اردوگاهها، آوارگان در چادر اسکان داده شده اند. همچنان که در آغاز گزارش گفته شد، آوارگان این اردوگاههای به ظاهر منظم هم، تا حدود زیادی همچون سایر آوارگان از بابت کمبودهای شدید رزاق و بی آبی و گرما و ما روعقرب می نالند. بویژه از بی پولی و بیکاری به شدت رنج می برند. یکی از آوارگان ساکن شهرک آزادی می گفت: "اینجا از نظر بهداشتی بد نیست و چیزهایی که می دهند خیلی کم است، و ما بیکاریم و پول نداریم که مثلاً یک سیرسبزی خوردن بخوریم." آنچه که در بالا آمد، تنها گوشه ای از "برکات" جنگ است. "برکات ها" از قبیل درگیری، فقر و فاقه و خانه خرابی و بیکاری و محرومیت کشیدن، برای زحمتکشان، و سودورفا، بیشتر برای سرمایه داران و "تجار محترم!"

بهداشت، مسکن و نان برای آوارگان تأمین باید گردد

پاسخ به سئوالات

بحران اقتصادی و انقلاب

سوالی از جانب هواداران طرح شده است که آیا تخفیف بحران اقتصادی بطور کلی بمعنای شکست انقلاب است؟ از آنجا که این پرسش به یکی از اصلی ترین بحث های کنونی جنبش کمونیستی نیز مربوط میشود خود را ملزم میدانیم که درباره آن اندکی صحبت کنیم.

سروشست هر انقلابی از سه جنبه زیر خارج نیست: پیروزی، شکست یا ادا مه آن در این مختصر به مسئله پیروزی انقلاب نمی پردازیم چرا که خود نیاز به بحث مفصل و جداگانه دارد. بعلاوه خارج حوزه سوال رفقای هواداران است و بالاخره و مهمترین نکته عدم پیروزی انقلاب ایران برای عنا صروجریان های سیاسی انقلابی پوشیده نیست.

برای آنکه یک انقلاب شکست نخورده، بعبارت بهتر در حال تدوین و ارزیابی شود، سه نشانه اصلی زیرمبنایست وجود داشته باشد.

۱- بحران اقتصادی حاکم بر جامعه هیچ نشانه ای از تخفیف و حل از خود بروز ندهد. روند بحران همچنان ادامه یابد و فشار اقتصادی بر زندگی کارگران و زحمتکشان فزونی گیرد.

۲- حاکمیت سیاسی نتواند دستگاههای دولتی خود را بطرز استوار برپا دارد. تضادهای درونی اش با زتاب گسترده پیدا کرده و امکان غلبه بر این تضادها را از او سلب میشود. بطور کلی ضدانقلاب نتواند پایه های حکومتی خود را متمرکز و تثبیت نماید.

۳- مبارزات توده ها برای احقاق حقوق

اخباری از شوراهای ...

بقیه از صفحه ۶
انجمن را هم میگردند بیایان رسید. در این جلسه نمایندگان قسمتی برای بحث روی این آئین نامه خواستار تشکیل مجمع عمومی شدند ولی اعضای شورای فرمایشی و انجمن اسلامی با تشکیل آن مخالفت نمودند!

روزی کشیده ۶/۲/۶۰ کارکنان امور نقلیه برق مرکزی مطلع شدند که به سر خلاف گذشته که فقط صبحها دفتر حضور غیاب را امضاء میکردند، با ایده نگام خروج نیز دفتر را امضاء کنند. کارگران و تکنسین ها که این عمل را در جهت محدود تر شدن از جانب کارفرما میدانند،

خود ندانم یا باید. مبارزات کارگران و زحمتکشان ارتقاء پیدا کند و توده ها به عرصه مبارزه طبقاتی کشانده شود. این مبارزه هر روز اشکال نوین و عالیتری از عمل انقلابی را به نمایش گذارد. هر گاه در جامعه ای این سه نشانه بطور همزمان پدید آید، آن جامعه به یک دوران انقلابی کام مینهد.

از این سه نشانه بحران اقتصادی بمنزله بستری است که بر روی آن دوفاکتور دیگر جریان می یابند. تا زمانی که بحران اقتصادی بصورت حاد خود وجود دارد، زمینه عینی برای بروز نشانه های دوم و سوم فراهم است، اما این آمادگی عینی الزاما "این دورا بوجود نمی آید، چو مع سرما به داری چه بسیار بحران های اقتصادی حاد را بدون تکانهای نیرومند و عظیم سیاسی از سر گذرانده اند. از طرف دیگر تخفیف این بحران نیز به تنها نمی توانند نشانه پایان گرفتن دوران انقلابی یا آنچه که مورد سوال است یعنی شکست انقلاب باشد. بلکه اگر تخفیف بحران با تغییر تناسب طبقاتی قوای اجتماعی یعنی مجموعه دوشانه دیگر، بسود ضد انقلاب همراه باشد آنگاه میتوان از شکست انقلاب صحبت کرد.

کشمکش بین انقلاب و ضد انقلاب بر حسب وجود توازن معینی در تقابل نیروهای طبقاتی اجتماعی، امکان دارد که مدتها پایداری نماید و در این فاصله حتی بحران اقتصادی نیز گاه تخفیف نسبی یابد. بر اساس آنچه که گفته شد اگر به وضعیت اقتصادی - سیاسی که جامعه ایران هم اکنون را سر میگذرانند، نگاهی دقیق بیا فکنیم بطرز اجتناب ناپذیری باین نتیجه میرسیم که انقلاب ایران پس از سرنگونی رژیم پهلوی نیز همچنان تدویم دارد. پیروزی این انقلاب اساسا در گرو آنست که پرولتاریای ایران بتواند رهبری خود را بر جنبش تا مین کند و در صورتیکه این امر تحقق نپذیرد، پس از یک پروسه کشاکش بین انقلاب و ضد انقلاب دست آخوا انقلاب به شکست کشیده میشود. این کشاکش خود ویژه کی شرایط کنونی جامعه ما را تشکیل میدهد.

اول ماه مه روز کیست؟

در خبرها آمده بود که عالیشان با ب، به فکر کارگران افتاده و امسال روز اول ماه مه را به عنوان روز "سن زوزف کارگر" - گرامی میدارد. (سن زوزف نام پدر عیسی مسیح است که در فارسی وی را یوسف بنجار می نامند). جناب با ب جناب غرق در متون "آسمانی" هستند که فرق بیست و هور عهد بر دگی را با کارکردوران سرما بیداری نمیداند. توقعی نباید داشت!

در سالهای گذشته رژیم شاهنشاهی به قصد لوث کردن نام روز کارگر، روز تولد دیکتاتور ضد کارگر، رضا خان را به جای روز کارگر، روز "تعطیل" کارگری اعلام میکردند. هر چند که کارگران آگاه به نشانه ابراز همبستگی با پرولتاریای جهانی به هر شکلی که بود، مراسم اول ماه مه را برگزار میکردند.

امسال همانند سال گذشته در ایران محافل حکومتی روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) را با ۱۲ اردیبهشت، روز ترور استاد مرضی مطهری، "مصادف" کردند و به جای هر چیز در مقابل آن استاد داد سخن دادند. ضمنا "برابری شیوه" رایج دوسه ساله اخیر به خیال خود برای جلوگیری از آگاهی طبقه کارگر اعلام کردند که از جن وانس گرفته تا ذرات خاک و حتی خود خدا، همگی کارگرند و توضیحات مفصل دادند که همه انسانها کارگر و کارگردوست بودند. این شگرد که مقوله تاریخی "کارگر را با مقوله کار" که از بدو بدایش انسان مطرح بوده، مخلوط کنند، البته چیز تازه ای نیست. نوآوری در این است که مقوله "انسانی کارگر را با مقوله فلسفی حرکت، یکجا کنند تا با هم بگمان خود، کارگران را از آگاهی سر و وظیفه تاریخی خود بدارند.

لیکن اندک بودن تعداد کارگران در مراسم حکومتی اول ماه مه، مسان نشان داد که این شگردها چقدر بی اثر است.

دروزارت کار، و در واقع برای قریب کارگران، یک مجمع عمومی در هفته اول اردیبهشت تشکیل داد. در این مجمع کارگران میخواستند، دانند که "اگر قصد وزارت کار ایجاد شورای واقعی است پس چرا نمایندگان انتخابی کارگران را نمی پذیرد؟" اما افراد هیئت نظارت چون پاسخی برای سئوالات کارگران که همه در جهت نفی اساسا مه و طبع انتخابات وزارت کار ریو نه داشتند، به پرت و پلا گفتن پرداختند. آنها سعی می کردند بیشتر خودشان صحبت کنند و اجازه افشاکری به کارگران ندهند. کارگران هم یکی پس از دیگری جلسه را ترک کردند و به ترتیب مجمع خاموش یافت و هیات نظارت که در بر آوردن اهداف خود تا کام مانده بود دست از بنا دراز تر به وزارت کار بارگشت.

به آن اعتراض کردند. کارکنان دفتر حضور و غیاب را پاره کرده و ضمن تجمع در محل، از نمایندگان شورا میخواستند که اعتراضشان را بگوش مسئولین برسانند. نمایندگان حاضر به اینکار نمیشوند و اداره حراست (حفاظت سابق) نیز سراز فرصت استفاده کرده و خواهان معرفی محرکین! می شود. این عمل باعث اوج گیری اعتراض کارگران میشود و از آنجا که بی میبرند شورا توان پیشبرد اهدافشان را ندارد، با تهیه اطلاعیه ای به امضای ۴۸ تن از کارکنان خواستند که روز چهارشنبه ۶/۲/۶۰ برای انتخاب نماینده جمع شوند.

هیئت نظارت بر انتخابات شورای پاریس الکتریک (کرج) ظاهرا برای نظر خواهی در مورد اساسا سه تصویب شده

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر بیشتر از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

یادآوری

چون رسال بولیا یبدون
گد، ا مورما لی سا زمانرا
با مشکل مواجه ساخته
استه لدا از همه رفقا و
هوادا را نمیخواهیم که
کمکهای مالی خود را از ما
با یک عدد سه رقمی و یک
حرف مشخص نمایند و از
ارسال پول بدون کد خودداری
نمایند. (امور مالی سازمان)

رفقای دکهدار ۲۰۰۰ ریال

رفقای زندا ناوبین
۱۰۰۰۰ ریال

پیشگام تجرش ۱۲۰۰۰ ریال

رفقای خانه دار
۱۰۰۰ ریال

مینا ۴۵۰۰ ریال

کاوه ۶۰۰۳ ریال

اصفهان ست ۳۰۰۰ ریال

دانش آموز- ف- ۳۰۰۰ ریال

دانش آموز- ت- ۱۵۰۰۰ ریال

رفقای دینور صحنه
۱۵۰۰ ریال

صفائی فراهانی
۵۰۰ ریال

پیشگام جنگزدگان
رضایی شیراز
۳۰۰۰ ریال

رفقای بروجرد
رحیم ۵۰۰ ریال

رفقای استانبول
۴۰۰ مارک

۴۵۰ بول لهستان
۴۰۰۰ لیر ترکیه
۳۰۹۰۰ ریال

رفقای لنیکلن
۱۳۴۹-۳۰ دلار

رفقای اراک

رفقای تبریز
۴۹۹

رفقای مشهد
۳۳۳

رفقای پیشگام
خرم آباد
۳۳۲

رفقای خرم آباد
۱۰۰۹

رفقای خرم آباد
۱۰۰۸

رفقای خرم آباد
۶۱۱

رفقای خرم آباد
۱۴۱

رفقای خرم آباد
جمعاً ۷۰۰۰

رفقای خرم آباد
۳۲۲۰

پیشگام متحدین
نهاوند ۱۵۰۰

رفقای خرم آباد
۵۴۳۲ ریال

رفقای شهرکرد
۱۲۵

رفقای شیراز
۲۵۴

رفقای شیراز
۲۵۵۵

رفقای شیراز
۵۰۵

رفقای شیراز
۵۱۲

رفقای شیراز
۱۸۸۸

رفقای شیراز
۳۰۰۲

رفقای شیراز
۱۱۱۱

رفقای شیراز
۲۰۸۴

رفقای شیراز
۲۴۴۴

رفقای شیراز
۵۲۰

رفقای شیراز
۲۶۰

رفقای شیراز
۱۰۱۵

رفقای شیراز
۲۰۵۰

رفقای شیراز
۲۹۱۷

رفقای شیراز
۲۸۰۸

رفقای شیراز
۱۰۲۲

رفقای شیراز
۱۰۳۲

رفقای شیراز
۱۰۲۲

رفقای شیراز
۵۰۶

رفقای شیراز
۱۲۳۱

رفقای شیراز
۱۲۱۷

رفقای شیراز
۱۵۳۰

رفقای شیراز
بیست و یک نفر

شبهات تصادفی!

تلویزیون اسلامی ضمن اخبار شب، پنجشنبه ۶/۲/۱۷ اعلام کرد که "فالانژهای لبنان با بازگشتی دانشکاهای این کشور مخالفند، زیرا بیشترین مخالفان آنها از دانشجویان دانشکاهها و مدارس عالی هستند."
اکنون بیش از یکسال از بستن دانشکاهها توسط فالانژهای ایرانی میگذرد، شبهات بین مضمون خبر بالا و وقایع جاری در ایران نیز آشکار میشود.

حزب الله کیست؟

در برنامه تلویزیونی سه شنبه ۱۳۶۰/۲/۱۵ بخش ارتباط مستقیم، آقای رجائی سوال شد حزب الله چه کسانی هستند؟
او گفت: حزب الله یعنی آنها که اولین جرقه های انقلاب را در قم و تبریز و مشهد و کرمان و غیره بوجود آوردند و به دعوت اسلام لبیک گفتند، آنها که در ۱۷ شهریور و ۱۳ آبان و غیره در مقابل گلوله ها و تانک های رژیم شاه سینه سپر کردند و بالاخره آنان که انقلاب را بشمار رساندند و اینک مدافعیان راستین انقلاب اند. تلاش رجائی برای پرده پوشی از واقعیات و اینکه او می خواست چنین وانمود کند این دستجات سازماندهی مشخصی ندارند و اجیر شده حزب و کمیته ها نیستند تلاش می بود مذبحان که حتی خود این عناصر را که عمدتاً "درازی دریافت پول و تحت رهبری کمیته ها عمل می کنند، خنده و می دارد."
رجائی به میلیونها هموطن کارگر و زحمتکش ما که با مبارزات درخشان خود رژیم پهلوی را سرنگون کردند و اکنون با زهم تحت شدیدترین فشارها و تضییقات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی از جانب رژیم جمهوری اسلامی قرار دارند و کوچکترین اعتراض آنها در کارخانه و مزرعه با سرکوب همین جماران و - قمه کش ها و قداره بندان تحت حمایت پاسداران بخاک و خون کشیده می شود نسبت حزب اللهی می دهد که البته از این سخنان بایدهمان جمله مشهور را دریافت که نکند کارگران و زحمتکشان که بزعم آقای رجائی حزب اللهی هستند خودشان خودشان را سرکوب می کنند و خودشان یکدیگر را می کشند و یا بزنند انداخته و شکنجه می کنند تا مظلوم نمائی کنند!
راستی اینهمه وقاحت را چگونه میتوان توجیه کرد آیا جماعتی میسک شکل و جاقوهای هم فرم و توزیع عادلانه آنها در مراسم و میثینگ و تظاهراتی نشانه سازماندهی مشخص آنها نیست و جراد دستگیری این مزدوران همواره کارت کمیته ظاهری شود تا بکنند می خواهد کمیته هائی انقلابی را بدنام کنند؟!

سازشکاران بدانند کارگران بیدارند

درباره شعارهای اساسی جنبش...

بقیه از صفحه ۱

انقلابی و ضد انقلابی در جریان است. در این نبرد تاریخی و دورانی ساز که در یکی آن نیروهای با لنده و مترقی تاریخ و در سوی دیگر آن کلیه نیروهای ضد انقلاب و مرتجع ترار دارند، وحدت و همبستگی نیروهای انقلاب در پهنه گیتی در مبارزه علیه خصم مشترکشان امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا، ضرورتی حیاتی و تاریخی است.

در این نبرد مشترک که راه را برای رهایی کل بشریت از قید هرگونه استعمار و استبداد هموار میسازد، پیوند فشرده و همبستگی بین المللی بین اردوگاه سوسیالیسم، جنبش طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری و جنبش رهاشی بخش خلقهای تحت استبداد امپریالیسم، ضرورتی است که از دیا لکتیک وضعیت تاریخی کنونی جهان برمیخیزد. رفیق هوشی مین کومونیست کبیرویتنامی درباره صف آرائی نیروهای انقلاب و ضد انقلاب جهانی مینویسد: "قدرت اردوگاه سوسیالیستی، مبارزه طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری و جنبش انقلابی ملی این سه نیروی انقلابی بزرگ با قدرت بهم پیوسته، بیامان بر استحکامات امپریالیسم سرکردگی امپریالیسم ایالات متحده همواره یورش میبرد و مردانه ضربه میزند.

... بر روی هم، انقلاب جهانی در موضع تعرضی قرار دارد، و قدرتمندتر میگردد و پیروزیهای افزونتری حاصل میکند. بر عکس امپریالیسم و دیگر نیروهای رتاعی در موضع تدافعی هستند، ضعیفتر میشوند و شکستهایی متحمل میگردند و محکوم به زوالند.

(منتخب آثار هوشی مین بزبان فارسی صفحه ۵- ۲۹۴، تاکید از ما است)

جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای تحت استبداد ایران که جزء تفکیک ناپذیر نیروهای انقلاب جهانی و روزه انقلاب در جهان بشمار میرود، همسر روز گسترده تر میگردد و وظایف بس خطیری را پیش روی پیشگامان جنبش انقلابی قرار میدهد. که از آن جمله است تدفیق شعارهای اساسی جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران.

شعارهای اساسی انقلابی که بیان موجز و خلاصه اهداف و سمت سوی جنبش انقلابی در هر وضعیت تاریخی مشخص است، باید آنچنان شعارهایی باشند که بتوانند پیوند صحیحی بین اهداف و منافع ملی جنبش انقلابی در درون هر کشور، با اهداف و منافع مشترک انقلاب در سر تا سر جهان برقرار نمایند.

شعارهای اساسی جنبش دمکراتیک - ضد امپریالیستی ایران باید آنچنان شعارهایی باشند که بتوانند ضمن بیان اهداف این جنبش و تعمیق و گسترش مبارزه ضد امپریالیستی در سطح "ملی"، اتحاد و همبستگی و هدف مشترک مبارزه - مشترک، اردوگاه سوسیالیستی، جنبش طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری و جنبشهای رهاشی بخش را در مبارزه برای رهایی، دمکراسی و سوسیالیسم و علیه خصم مشترک، امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا را در خود متجلی سازد و

به همبستگی و ضرورت اتحاد نیروهای انقلاب در عرصه جهانی، تحقق بخشد. با چنین درکی است که ما یکی از شعارهای اساسی جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای تحت استبداد ایران را "نابودینا، دامپریالیسم جهانی" به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پیایگاه داخلی آن "میدان تیم، و اعتقاد داریم، تنها نیروهای مدافع طبقه کارگر، بلکه کلیه نیروهای دمکرات و انقلابی باید حول این شعار گرد آیند و بر آن تاکید ورزند.

هرگونه طفره رفتن از پذیرش و تبلیغ این شعار و یا تقلیل آن دقیقاً "کوششی است جهت با انحراف کشاندن جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران که با یقیناً طعانه به مبارزه با آن برخاست.

ما در گذشته در نشریه کار شماره ۶۱ به این مسئله اشاره کردیم و نشان دادیم که چگونه سوسیالیسم رفرمیستها (حزب توده و اکثریتیهای راست) این مدافعین دروغین "انترناسیونالیسم پرولتری"، ضمن پذیرش شعار "مرک برای امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا" در حرفه در کردار و در عمل از مبارزه علیه سلطه اقماعی و اجتماعی و سوسیالیستی امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا در ایران که به موه شرترین شکل از کانال مبارزه با بورژوازی وابسته بمثابه پایگاه داخلی امپریالیسم جهانی میسر است روی برمیتابند و دست اتحاد بسوی متحدین امپریالیسم جهانی در ایران دراز میکنند.

آنها یا تبلیغ سازش طبقاتی، کارگران و توده های زحمتکش را به تبعیت از سرمایه داران فرامیخوانند و با حمایت از حاکمیتی که عملاً "در جهت بازسازی نظام سرمایه داری و وابسته کامبر میدارد، با تقلیل دادن مبارزه علیه سلطه اقماعی، اجتماعی و سوسیالیستی امپریالیسم جهانی، مبارزه علیه بورژوازی و وابسته به مبارزه علیه روه سالی جمهوری دولتها، امپریالیستی و سفارتخانه آن دولتها، با کند کردن لبه تیز مبارزه طبقاتی، مقابله با مبارزه - انقلابی کارگران، توده های زحمتکش و مبارزه حق طلبانه خلقهای تحت استبداد ایران و در تقابل قرار دادن این مبارزات

با مبارزات ضد امپریالیستی، در جهت تضعیف جنبش ضد امپریالیستی، دمکراتیک خلقهای ایران و به سازش کشاندن آن تلاش میکنند و در یک کلام با روی برگرداندن از مبارزه علیه متحدین و پیایگاه - امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا در ایران، بی اعتقادی خود را به این شعار در عمل به آشکارترین وجهی

عبان میسازند. اینک میخواهیم به درک انحرافی دیگری از مبارزه ضد امپریالیستی برداخته مرز بندی خود را با این درک انحرافی هر چه مشخص تر سازیم. این درک، درک "سازمان پیکار" و دیگر معتقدین به تضاد ما رکنیستی "سوسیالیسم امپریالیسم شوروی" از مبارزه ضد امپریالیستی، در شرایط تاریخی کنونی است، وجه مشخصه درک این نیروها از مبارزه ضد امپریالیستی در اینست که صف آرائی نیروهای انقلاب و ضد انقلاب را در عرصه جهانی و از گونه می بینند و قافا در به تشخیص متحدین، دوستان و دشمنان طبقه کارگر و بطور کلی نیروهای انقلاب جهانی و نیروهای ضد انقلاب و دشمن اصلی خلقهای جهان نیستند و هر چند در حرف خود را بنگیرند - ترین ایگانها مدافع راستین! - طبقه کارگر در ایران و حتی سر تا سر جهان! مینا مند و دیگر نیروها را سا نتر بیست، روبریونیت، ایورتونیت، منتر لزا و غیره... می شمارند، لیکن هیچگونه اعتقادی به انترناسیونالیسم ندارند. آنچه "سازمان پیکار" تحت پوشش حمله به روبریونیت ارائه میکند در حقیقت چیزی نیست جز وار در کردن تزلزلات - روشنفکران خرده بورژوازی در جنبش ضد امپریالیستی، نفی انترناسیونالیسم پرولتری و انکار پیرویه عینی روند گسترش انقلاب در عرصه جهان.

بدون شبهه با ژگونه دیدن صف آرائی نیروهای انقلاب و ضد انقلاب در عرصه جهانی و وارونه جلوه دادن روند عینی گسترش انقلاب جهانی، نه امری اتفاقی و معرفتی بلکه بنیانگر کرایش طبقاتی مسلط در این سازمان، کرایش روشنفکران متمایل به سوسیالیسم تخیلی است که متاسفانه از بخت بدشان این سوسیالیسم تخیلی و آرمانیشان در هیچ کجای جهان نییاده نمیشود و جا مه عمل نمی پوشد.

در نظرات این روشنفکران بی نوا، روند تکاملی جوامع بشری و انقلابات پیروزند در همه جا بعوض بالنده کی و پیشروی، به سه قهقرا سیر میکند، جامعه شوروی پس از پنجاه سال ساختمان سوسیالیسم بناگاه با "گودنای خروشجف" به امپریالیسم گذر میکند، اردوگاه سوسیالیسم به اردوگاه سرمایه داری مبدل میشود، انقلابات کوبا، وینام و غیره... پس از سالها نبرد و میلیونها شهید، و کسب پیروزی و برقراری دیکتاتوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر و رهاشی از قید استبداد سلطه امپریالیسم، کشورهای تحت سلطه! و در انقیاد! و اقمار! امپریالیسم زکار در میآیند.

ادامه دارد.

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

عوامفریبی دادگاه تخلفات و جرایم ...

بقیه از صفحه ۱

میلیونی مسلم و مومن به انقلاب خواستاریم اینگونه افراد را شناسایی و در اولین فرصت اسامی و مشخصات آنان را در اختیار دادگاه ... قرار دهند.

با بدبختی مگر اینک نیروهای انقلابی همواره پس از قیام خواستار افشای نام ساواکیها و دستگیرگری و محاکمه آنان بوده اند. مگر نه اینک همواره خواستار سرکوب سرمایه داران و تمامی ایادی رژیم گذشته شده اند، مگر نه اینک نیروهای انقلابی همواره خواستار تغییر بنیادی در ساختار ارتش و دستگیری و محاکمه تمامی سربازان فرماندهان ارتشی و مزدوران ضد اطلاعات بوده اند. چه کسی با جلوگیری از این اعمال به حمایت از ساواکیها و ایادی رژیم گذشته پرداخت. مگر نه اینک این رژیم جمهوری اسلامی بود که نه تنها اسامی ساواکیها را انتشار نداد، نه تنها لیست ما موران سیار را فاش نکرد، نه تنها آنان را دستگیر و محاکمه ننمود، بلکه بسیاری از آنان را نیز بکار گرفت و دستگاه ساواک و ضد اطلاعات را جهت شناسایی و سرکوب نیروهای مترقی با زسازی کرد. این رژیم جمهوری اسلامی بود که ایادی رژیم سابق را آزاد نهاد تا از مرزها خارج شوند. چه کسانی بختیار رومندسی و نریه و مراغای و ... را فرار دادند مگر نه اینک رژیم جمهوری اسلامی سرمایه داران را آزاد نهاد و مالکیت آنان را تثبیت کرد و به آنان وام داد. زمینداران را رها کرد و به آنها برضد دهقانان اسلحه و پول داد. مگر نه اینک رژیم جمهوری اسلامی سربازان ارتش را بر سر پست و مقام خود باقی کرد، ساختار ارتش را حفظ و باز سازی نمود و بالاخره اینک این رژیم جمهوری اسلامی است که با فریب و ونیرنگ میگوید میا رزات نیروهای انقلابی را به ساواکیها و ایادی رژیم گذشته نسبت دهد. خنده دار است که رژیم از توده ها میخواستند تا ساواکیها و ایادی رژیم گذشته را شناسایی کرده و معرفی کنند. حکام جمهوری اسلامی مزورانه دروغ میگویند، زیرا اگر حقیقتا چنین خواستی داشتند، مگر لیست ساواکیها، عنا صریحا و ضدا اطلاعی آنها در دستشان نیست؟ رژیم جمهوری نه تنها صورت اسامی ساواکیها را افشاء نمی کند بلکه اکثر آنان را بکار گرفته است، نه تنها ضدا اطلاعی آنها را دستگیر نمی کند بلکه ضدا اطلاعات ارتش را با زسازی کرده است. نه تنها سرسپردگان رژیم گذشته را شناسایی و دستگیر نمی کند بلکه بسیاری از آنان را بر سر مقامات خود باقی کرده و فقط از طریق صدور "خطا ریه" و "اطلاعی" قصد دارد توده ها را بفریب و در عین لاپوشانی اعمال ضد مردمی خود آنان را برضد نیروهای انقلابی بکار گیرد.

در ماده ۲ آمده است: "از اهالی مومن محلات تهران خواستاریم ضمن شناسایی چهره هایی که در گوشه و کنار شهر خود را برای مبارزه مسلحانه با جمهوری اسلامی آماده میکنند مراتب را در اسرع وقت به این دادگاه اطلاع دهند."

رژیم دست از فریب و ونیرنگ خود بر نمیدارد دولت جمهوری اسلامی بیشتر مانع از توده ها میخواستند که برضد

نیروهای انقلابی حاسوسی کنند بیشتر مانع میخواستند که مردم را به "شنا سائی" معرفی "انقلابیون" و ادارا ما در این مورد نیز توده ها تجربه های بسیاری دارند و فریب رژیم را نخواهند خورد. توده ها بخوبی بیاد دارند که چگونه شاه انقلابیون را خرابکار و ضدا منیتی معرفی می کرد و چگونه همواره میخواستند که توده ها در هر کجا خرابکاران را دیدند و یا شناسایی کردند فوراً "به ما مورین" اطلاع دهند. توده ها اینک با بکارگیری تجربیاتشان دیگر فریب ونیرنگهای بیشتر مانع جمهوری اسلامی را که علنا از آنان می خواهد تا ضمن شناسایی چهره هایی که در گوشه و کنار شهر خود را برای مبارزه مسلحانه با رژیم جمهوری اسلامی آماده می کنند مراتب را در اسرع وقت به ... دادگاه اطلاع دهند. خورد و در این راه فقط رژیم بیش از پیش چهره گریه خود را نشان خواهد داد.

در ماده ۳ خطا ریه "آمده است": از کلیه افراد مومن به انقلاب دربار و مراکز تجاری درخواست میشود اسامی چهره های ضدا انقلاب و منافق را که در شرایط حساس جنگی بابت اختلال در نظم و یا ایجاد گرانی و کمبود کالا در جامعه میشوند در اختیار دادگاه قرار دهند. "و این نیز فریبی بیش نیست توده ها اینک بیش از پیش با گوشت و پوست خود لمس میکنند که چگونه سرمایه داران خون آنان را می مکند چگونه تجار و محترمان دسترنج آنان را غارت میکنند. توده ها بخوبی درمی یابند که چه کسانی عاملین احتکار و گرانی اند. دیگر توده ها میفهمند که این رژیم جمهوری اسلامی است که با حمایت بی دریغ خود از تجار و سرمایه داران روز به روز به گرانی دامین میزند و کمپانی را افزون می کند. توده ها میدانند که این رژیم جمهوری اسلامی است که با ایجاد محیطی مناسب "پرخیر و برکت" فقط در سال گذشته ۱۲۰ میلیارد تومان سود زشمره دسترنج خلق را به جیب گشاد بازاریان و تجار سرازیر کرده و ... اما رژیم به عبث میکوشد توده ها را فریب دهد رژیم در پی حمایت بی دریغ خود از سرمایه داران و تجار با زسازی دارد تمامی گناهها را بگردن اقشار خرده پای بازاریان و بدبختی توده ها را رودر روی یکدیگر قرار دهد و همچنین میخواستند نیروهای انقلابی را عامل گرانی و احتکار و کمپانی قلمداد کند!

در ماده ۴ آمده است: "به کلیه رانندگان خودروهای عمومی بویژه رانندگان تاکسی خطا میشود که در صورت مشاهده حرکات ضدا انقلابی از قبیل شایعه پراکنی و اهانته به مسئولین مملکت و تضعیف جمهوری اسلامی علاوه بر جرائم سنگین، کارنامه هایشان لغو و نام آنها از جدول اسامی رانندگان متعهد تاکسی تهران خارج خواهد شد."

حکام جمهوری از روز پس از قیام و پس از به جنگ آوردن قدرت کوشیدند تا گام بگام تمامی دستاوردهای قیام خلق را با یمال نمایند. اینک در پی تمامی سیاستهای سرکوبگرانه شان که در جهت هر چه محدودتر کردن آزادیها و دموکراتیک توده ها است سعی دارند حتی بحث و تبادل نظر سیاسی توده ها را که یکی از دستاوردهای قیام است با زبس گیرند. به این خاطر است که توسط "خطا ریه" خود سعی دارند جلوی هرگونه بحث آزاد، هرگونه اظهار نظر سیاسی و ... را بگیرند.

رژیم جمهوری اسلامی سعی دارد از طریق تهدید به "لغو کارنامه" رانندگان و اخراج و ... رانندگان زحمتکش و سایل نقلیه عمومی را به حاسوسی و ادارا در این طریق ساواکی گسترده تر از ساواک شاه خائن تدارک ببیند. غافل از اینکه زحمتکشان هیچگاه تن به چنین خیانتی به خلق نخواهند داد. در عین حال که توده های خلق که دستاوردهای شان را به بهای ۲۰ هزار شهید و صدها هزار زخمی بدست آورده اند با تهدید و جاسوسی از این دستاوردها چشم نخواهند پوشید.

در ماده ۵ خطا ریه آمده است: "به کلیه ما مورین انتظار می و یا سداران ... ابلاغ میگردد نسبت به کسانی که فرصت طلبانه با کمک گروهکهای آمریکا ... به زمینهای دولتی و غیر دولتی (یعنی متعلق به سرمایه داران و زمینداران) تجار و زمینها یند با قاطعیت برخورد ... نمایند" در پس این جملات بخوبی چهره رژیم حامی سرمایه داران پیدا است. با بدبختی توده های زحمتکشی که در اثر گریه خانه کمر شکن و در پی سرپناهی محقره بیباکیهای کرچ روی آورده اند و یا در خاک سفیدخانه ساختن اند ضدا انقلاب و "فرصت طلب" هستند. با به قدرت رسیدگانی که در پناه مبارزات و جانفشانی های خلق قدرت و مقام را بدست آورده اند و اینک در حمایت از زمینداران و سرمایه داران خواستار "قاطعیت" در سرکوب خلقند. با بدبختی توده ها بی که پس از عمری رنج و مشقت و بهره کشی شدند میخواستند زمینهای زمینداران و سرمایه داران، آپارتمانهای خالی شروعتدان و کاهای اشراف را مصادره کنند فرصت طلبند و دولت که با سوء استفاده از توهم توده ها به باقی مالکیت زمینداران و سرمایه داران و سرکوبی روز افزون توده ها مشغول است.

رژیم در مقابل او جگیری روز افزون جنبش خلق و قدرت گیری بیش از پیش نیروهای انقلابی نتوان تراز قبیل هر روز حیلها و شیوه های جدیدی بکار می گیرد. میا رزات خلق را به ساواکیها و ایادی رژیم گذشته نسبت میدهد. سعی دارد توده های متوهم را برضد نیروهای مترقی بسیج کند و به حاسوسی و ادارا و در نهایت زمانی که فریب های پیش کارگر نمی افتد از نیروهای انتظار می و پا سداران را انقلاب "خواستار" "قاطعیت" در سرکوب می شود. اما همچنان که در دو سال اخیر شاهد بوده ایم با وجود تمامی تلاشهای رژیم، جنبش خلق روز بروز اوجی نوین می یابد، توهم توده ها بیش از پیش فرو می ریزد و توده ها آگاه میشوند و دیگر فریب جمهوری اسلامی اثری نخواهد داشت.



ترور محمد علی ساکتی راننده تاکسی بدست یاسداران رژیم جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۲۵

" آقای محمد ساکتی - مضروب طبق مدارک و شواهد شرکت تعاونی تاکسیرانی تهران هیچگونه سابقه و پرونده مجاز رانندگی نمی باشد. خواهشمند است با استناد به قانن مطبوعات و جلوگیری از هرگونه شبهه ای مراتب فوق عیناً در همان صفحه درج گردد."

این اخبار سراپا متناقض را چگونه میتوان توضیح داد؟ هدف تمام این دروغ پردازیهای رژیم جمهوری اسلامی اینست که برای این جنایت خودسریوش بگذارد. تمامی شواهد موجود حاکی است از آنست که احتمالاً بین راننده تاکسی و یاسداری بحث سیاسی در گرفته است و یاسداری جمهوری اسلامی بتبعیت از سیاست عمومی رژیم جمهوری اسلامی با اسلحه خود جواب راننده تاکسی را داده است. این اقدام جنایتکارانه که تنها یک نمونه از هزاران نمونه زورگوییها و خودسریهای یاسداری رژیم جمهوری اسلامی علیه توده ها است با آ ورجنا بینی است که در دوران رژیم شاه رخ دادوزن شایسته ساوکی معروف در روز روشن و در خیابان یکنفر را بضرر گلوله گشت. البته بر کسی پوشیده نیست که نه در آن زمان زن شایسته ساوکی مجازات شد و نه امروز یاسداری رژیم جمهوری اسلامی مجازات خواهد شد. تمامی اخبار متناقض نیز در همین رابطه است.

اما ما بمنظور افشای هر چه بیشتر حقایق و رسوا کردن بیش از پیش روزنامه جمهوری اسلامی، این روزنامه فریب و دروغ، بمنظور افشای رژیم جمهوری اسلامی و شرکت تعاونی تاکسی را تکی تهران، اسنادی را بنقل از اعلامیه رانندگان تاکسی پیشر و منتشر می کنیم که نشان میدهد محمد ساکتی بر خلاف ادعای رژیم دارای سابقه و پرونده مجاز رانندگی بوده و هدف تمامی عملیات رژیم، سرپوش گذاری بر این جنایت است.

ما این اقدام خودسرانه یاسداران رژیم جمهوری اسلامی را هما نندیدیم

مرکز پزشکی غفاری

شرکت تعاونی تاکسیرانی تهران

بازگشت شماره ۷۱۱۵۷ / ۱۱ / ۱۱ / ۵۱

ماینات بالینی و آزمایشگاهی - عمل آمده نتیجه شرح زیر است:

- ۱- خون - V. D. R. L
- ۲- ادرار - آلبومین
- ۳- گروه خون و Rh
- ۴- فشار خون

رئیس آزمایشگاه مرکز پزشکی غفاری

نامبرده با توجه به ماینات فوق الذکر و انجام کار

خیابان ملک - خیابان آزادگان - خیابان کلاهدوز - تلفن های ۸۵۹۰۳۲ الی ۸۵۹۰۳۰

شماره ۸۴۶
تاریخ نامه کاروان

اختلاف نوبت اول

آقای محمد علی ساکتی - راننده تاکسی شماره ۱۳۵۲

به نقاشی چهره و مشخصات فیزیکی و سوابق رانندگی و سوابق پزشکی

نظریه اینکه تعداد ۱۰ - فقط از بدنی خود را در رسیدن مقصد پرداخت نکرده تا بسال جهت داریز بدنی بسا عدا رکی شرکت مسراجمه شود و باید لحاظ بدین وسیله بشا اختلاف می شود حدا کثر طرف ۱۵ روز از تاریخ رسیدن این اختلاف بسا عدا رکی شرکت مسراجمه بدنی خود دانسته می باشد در غیر اینصورت تا کثیر به ایام نامه ۱۳۶۰ / ۱۱ / ۱۱ / ۵۱ - متعلق خواهد بود (متعلق از ماده ۱۶ اساسنامه دیلا یاد آوری می شود)

مدیر عامل حسین سلامی
از طرف

ماده ۱۶: حجت مدیر مدسورت تحقق موجبات زیر می تواند هر صوری را پس از رسیدگی با اختلاف کسی از شرکت اخراج کند

الف - در مورد خودداری از پرداخت بدنی خود شرکت دوسر رسیده

مقرر پس از دو بار اختلاف کسی بخاسله ۱۵ روز و گذشتن ۱۵ روز از دومین اختلاف

شماره: ۱۳۵۲ - تاریخ کاروان: ۱۳۵۲

نام محمد علی

نام خانوادگی: محمد علی سلامی

نام پدر: رضی الله تعالی

شماره شناسنامه و محل صدور آن: ۱۳۴۱ - تاریخ تولد: ۱۳۴۱

شماره گواهی نامه: ۱۳۶۱ - تاریخ صدور کاروان: ۱۳۶۱

نوع و محل صدور گواهی نامه: ۱۳۶۱ - تاریخ صدور کاروان: ۱۳۶۱

رنگ چهره: سبزه - رنگ مو: سیاه - گروه خون: ...

محل قد: ... علامت اختصای دیگر: ...

این کارت طبق مقررات صادر شده است

مشخصات تاکسی

ردیف	شماره تاکسی	رنگ	محل	ملاحظات
۱	۴۴۹۳۲	سبز	۵۲	تاکسی شماره ۴۴۹۳۲
۲				تاکسی شماره ۴۴۹۳۲
۳				تاکسی شماره ۴۴۹۳۲
۴				تاکسی شماره ۴۴۹۳۲
۵				تاکسی شماره ۴۴۹۳۲
۶				تاکسی شماره ۴۴۹۳۲
۷				تاکسی شماره ۴۴۹۳۲
۸				تاکسی شماره ۴۴۹۳۲
۹				تاکسی شماره ۴۴۹۳۲
۱۰				تاکسی شماره ۴۴۹۳۲
۱۱				تاکسی شماره ۴۴۹۳۲

ما همچنین براتحاد و همبستگی رانندگان تاکسی که بیباک نگر سطح آگاه هستی و تشکل آنهاست ارج می نهیم

اقدامات سرکوبگرانه خودسرانه رژیم محکوم میکنیم و خواستار محاکمه علنی و مجازات او هستیم

به افشای این حرکات سرکوبگرانه - بپردازند. آنها با ید اعتراضات کارگران را سازماندهی نموده و مبارزاتشان را ارتقاء داده، وصف متحد و متشکل و مبارز کارکنان را برای حفظ دستاوردهای دمکراتیک قیام و مقابله با هر حرکت ضدکارگری و ضددمکراتیک مستحکم سازند. کارکنان شرکت پنهان با ید اعلام اصلی پیشبردا اینگونه حرکات درون کارخانجات یعنی انجمن های اسلامی را هر چه بیشتر منزوی و طرد نمایند. افشا و طرد اینگونه ارگانها که مانع پیشبرد مبارزه بر علیه نظام سرما به داری و امیربالیسم میباشند باید تا حد انحلال آنها پیش رود

انجمن را افشاء کرده و تنفر خویش را بیان می کنند. انجمن اسلامی در مقابل اعتراضات گسترده کارکنان پنهان به دست و پیا افتاده و زیوانه میکوشد با اطلاعاتی های رنگ و وارنگ و خود را بیگناه جلوه دهد.

بدین ترتیب زحمتکشان با نشان دادن تنفر همه جانبه خود از سرکوب و اختناق به مبارزه با آن می پردازند. کارگران و زحمتکشان میهنمان با توجه به تجارب و شناختی که از ترور، شکنجه و خفقان در زمان دیکتاتور شاه جنایتکار دارند، دیگر به آسانی زیر بار آن نمیروند. کارکنان پیشرو پنهان باید هر چه بیشتر

توطئه انجمن اسلامی پنهان علیه نمایندگان شورا

بقیه از صفحه ۳

روز بعد مسئول انجمن اسلامی این مزدور کثیف دولت سرما یه داران و تجار در شرکت اعلام میکنند که نماینده مذکور در درگیری مجاهدین زخمی شده است. اما کارکنان شرکت بزودی به اصل جریان پی میبرند. بدینال آن سبب اعتراضات کارکنان سراه می افتد. کارگران هر یک

اخباری از جنبش مقاومت

بقیه از صفحه ۲۰

می باشد.

سقز

مدتی بود که اجناس و وسایلی که در شهرهای دیگر به سقز فرستاده می شد، در دیواندرة بوسیلله سیاه با سداران ضبط شده، به سقز نمی رسید. در اعتراض به این عمل ضد انقلابی، کسبه سقز روز چهاردهم اردیبهشت معارزه ها و بازار را تعطیل کردند.

از همان روز اول تعطیل بازار و مغازه ها، فرما سدار مرتجع شهر به آزار و اذیت مردم پرداخت اما وقتی با روحیه رزمنده و مقاوم مردم روبرو شد، به یاری جانشینان و ارتشیان و دیگر مزدوران رژیم به بازار شهر ریخته، با دیلم نقل دکانها را شکست تا به کمان خود مردم را به تسلیم وادارد. در این رابطه عده ای از کسبه نیز توسط مزدوران جمهوری اسلامی دستگیر می شوند اما مبارزه مردم سقز در برابر حرکتات سرکوبگرانه رژیم همچنان ادامه دارد و ناراضی عمومی در فضای شهر موج میزند.

سنندج

سنندج - در اعتراض به هجوم وحشیانه پاسداران به کارگران بکار در تاریخ پنجم اردیبهشت که منجر به شهادت چهار تن و زخمی شدن هشت تن از آنان گردید (خبر این جنایت در شماره ۹۹ اکا درج شد)، در تاریخ هفتم اردیبهشت تظاهراتی از سوی دانش آموزان مبارز سنندج صورت گرفت، که در مقابل دبیرستان گوروش - به درگیری با مزدوران کشید، همچنین دانش آموزان انقلابی دبیرستان جامع، یا تحمن، همبستگی خود را با کارگران نشان دادند.

زندانیهای سراسر ایران در حالت اعتصاب پسر می برند (اعتصاب غذای ده تن از زندانیان سیاسی - انقلابی در زندان سیاه پاسداران زاهدان) و در حالیکه خلقهای تحت ستم ایران بویژه خلق کرد را سرکوب میکند، چگونه است که با مرگ بابی ساندز توجه خوانی سرداده و خود را طرفدار خلق ایرلند نشان میدهد. مردم میهتمان اکنون بخوبی دریافته اند که این رژیم نه تنها طرفدار خلقهای تحت ستم نمی باشد، بلکه آنان را سرکوب هم میکند و دیگر این عوام قریبی های جمهوری اسلامی و این نماینده های مسخره آنان را فریب نخواهد داد.

در خبر بر گزاریهی راهیمائی هوا داران سازمان به مناسبت اول ماه مه در همدان کار ۱۰۸۰۰ اشتباه نوشته شده که: "در پایان راهیمائی قطنا مراهیما بیان خوانده شد." ماضن پوز، یاد آوری می کنیم که به علت برهم خوردن راهیمائی توسط فالانژها، قطعنامه ای خواننده نشده است.

توجه

بعثت تراکم مطالب قسمت دوم بررسی در تحلیل مختصری از جنبش کارگری در مکیال گذشته در این شماره میسر شد.

یادشدهای جنگ

سال گذشته در کردستان گرامی باد

بین اریکسال از کشتار خلق کرد در جنگ سنندج می گذرد. جنگی که در اوایل اردیبهشت از جنوب کردستان آغاز شد و بتدریج به سراسر این منطقه گسترده شد. تعلق قهرمان کرد که از ابتدای حکومت رژیم جمهوری اسلامی در معرض بمباران و کلوله باران قرار داشت در اردیبهشت ۵۹ متحمل سخت ترین ضربات شد. سنندج، سقز، بانه، مریوان، سردشت و... شهرهای سراسر کردستان مورد حمله و تریسین بورش ها قرار گرفت، و بسیاری از اهالی این شهرها کشته شدند. علاوه بر اهالی بیگانه شهرها که در این بمباران ها و کلوله بارانهای ارتش جمهوری اسلامی شهید شدند، تعدادی از رفقای فدائی نیز از جمله فدائیان خلق: جمیل طوقانی، حمید دیندار، صدیق زارعی، غلام خاکبار، رویا علی بناهی، فرشته کل عنبریان، نادرایازی، اقبال اصلانی و چند رفیق دیگر نیز که همبازی خلق کرد با نیروهای سرکوبگر نظامی مبارزه می کردند یا در حین جنگ به شهادت رسیدند و یا دستگیر و اعدام شدند. یاد تماشای شهدای بخون خفته خلق گرامی باد.

اعتراض به بازداشت...

در همان حال انتخابات اخیر که نون نویسندهگان برای انتخاب اعضاء هیئت دبیران کانون بر گزار شد و سعید سلطا نیورغیا با برای یک دوره دیگر به عضویت هیئت دبیران کانون بر گزیده شد. طی این انتخابات اوبسترین آراء را آورد و نفر اول هیئت دبیران کانون نویسندهگان ایران شد. تعدادی دیگر از سازمانهای انقلابی و مترقی جهان نیز ضمن تلگرافها - بی به مقامات حکومت جمهوری اسلامی به بازداشت سعید سلطا نیورشا عرو نویسنده انقلابی و عضو هیئت دبیران کانون نویسندهگان اعتراض کرده و خواستار آزادی فوری وی شده اند. از جمله: M.I.I. خانه کارگران مهاجر، انجمن مراکشی ها در فرانسه، A.M.F. کنفدراسیون کارگران الجزایری، C.T.A. فدراسیون کارگران آفریقای سیاه.

F.I.A.M. اتحادیه کارگران مهاجر تونس، V.T.I.T. اتحادیه عمومی کارگران سنگال، VG.T.S. انجمن کارگران ترک، طی تلگراف به رئیس جمهور و رئیس دیوان عالی کشور در تاریخ ۷ مه ۱۹۸۱ خواستار آزادی سعید سلطا نیور شدند. همچنین در تاریخ ۸ مه ۱۹۸۱ حزب وحدت سوسیالیستی فرانسه، P.S.V. طی نامه ای به رئیس جمهور نسبت به ترور دختر محارمه و دستگیری سعید سلطا نیور اعتراض کرده است.

در تاریخ ۴ مه ۱۹۸۱ کارگران جوان مسیحی فرانسه، J.O.C. و C.I.M.A.P. و A.C.A.T. طی نامه ای به رئیس جمهوری به بازداشت سعید سلطا نیور اعتراض کردند.

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی قزل حصار.

بقیه از صفحه ۲۰

اکنون که رژیم جمهوری اسلامی به ریختن اشک تمساح برای بابی ساندز سعی در پنهان نمودن چهره سرکوبگرانه خود دارد با بدیا سخ دهد در حالیکه

زندانیان سیاسی را در زندانها شکنجه - گاهها ترور می کند (چهار تن از رهبران خلق ترکمن، عقیلی ها، جهان ها و...) و با بی توجهی به خواسته های دهها تن از زندانیان سیاسی - انقلابی کسبه در

تصحیح و توضیح

در کار شماره ۱۰۷ در بخش جنبش کارگری اسم اشتباه درج شده که بدین ترتیب تصحیح می گردد. یکی کارخانه بیس و آمریکا که اشتباه "پارس و آمریکا" و دیگری قسمت تکپوش که اشتباه "تکپوش" نوشته شده است.

در مقاله "مقررات" با درات و واردات وزارت بازرگانی ادامه "کار" صفحه ۸ ستون ۳، سطر ۲۲، لغت "تنها" زائد است.



گرامی باد خاطر شهیدای اردیبهشت ماه

بقیه از صفحه ۲۰

★ فدائی شهیدرفیق شیرین معاضد (فضیلت کلام) هنگامی که در روز ۱۶ اردیبهشت ۵۳ همراه بارفیک مرضیه احمدی اسکوئی درسقراری حاضر شده بود، به وسیله پلیس ضدخلقی دستگیر شد. وی قصد داشت با خوردن قرص سیانور به زندگی خویش خاتمه دهد اما مزدوران ساواک او را به بیمارستان رسانده و مانع شهادت او در آن هنگام شدند. آخرین باررفیق را در تبریز همان سال با بدنی سوخته و شکنجه شده در زندان کمیته دیدند و میدانیم که پس از آن در زیر شکنجه به شهادت رسیده است.

★ فدائی شهیدرفیق حبیب برادران خسرو شاهی متولد ۱۳۲۲ در تبریز - فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران - رفیق حبیب در اواخر فروردین ماه ۵۳ دستگیر شد و پس از یک هفته مقاومت در زیر شکنجه برای اینکه قرارش با حمید شرفلو نرود با گرفتن قرار ساختگی، ما موران ساواک را به جاده ساوه کشاند و در آنجا خود را به زیر چرخهای یک کامیون افکند و به شهادت رسید.

اردیبهشت ۵۴

★ فدائی شهیدرفیق علی اکبر (فریدون) جعفری متولد ۱۳۲۷ در تهران - دانشجوی اقتصاد دانشگاه تهران - از اعضای اصلی و عضو مرکز است سازمان - رفیق در اردیبهشت ۵۴ در حالی که برای انجام مأموریت عازم مشهد بود، به علت خستگی ناشی از کار مداوم تصادف کرد و به شهادت رسید.

★ فدائی شهیدرفیق محمود نمازی متولد ۱۳۲۸ در بیبهان دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران - در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۵۴ خانه تیمی چندتن از رفقا در قزوین به محاصره پلیس در آمد و رفیق محمود دستگیر شد و پس از مدتی در زیر شکنجه های وحشیانه مزدوران ساواک به شهادت رسید.

اردیبهشت ۵۵

★ فدائی شهیدرفیق هوشنگ اعظمی لرستانی متولد ۱۳۱۵ در مشهد پزشک - نویسنده و شاعر - در ۲۵ اردیبهشت ۵۵ پس از چند سال مبارزه مسلحانه در لرستان، به شهادت رسید نوشته فلسفی "جدام" - تحلیلی از ۱۵ خرداد - نوشته ای در مورد مبارزات خلق آنگولا و نقش استعمارگران پرتغال - شعرو قصه از آثار اوست.

★ فدائی شهیدرفیق محمود خرم آبادی از یاران و همزمان رفیق هوشنگ اعظمی و برادر فدائیان شهید احمد و مجتبی خرم آبادی در ۲۷ اردیبهشت ۵۵ به شهادت رسید. در فاصله روزهای ۲۵ تا ۲۸ اردیبهشت ماه ۵۵ مزدوران ساواک با حمله ای سیعانه به چندین پایگاه سازمان در تهران و شهرستانها حمله بردند. فدائیان دلیر قهرمانانه جنگیدند. برخی به شهادت رسیدند، و برخی حلقه محاصره را شکسته و با عملیات قهرمانانه به پایگاههای دیگر رفتند. در حالیکه از دشمن ۷۰ کشته و خیلی بیش از این مجروح برجسای مانده بود. یادگاری های ایشان را گرامی می داریم.

★ فدائی شهیدرفیق لادن آل آقا متولد ۱۳۳۴ در کرمان - دانشجوی رشته زیان فرانسه دانشگاه تهران

★ فدائی شهیدرفیق جهانگیر باقرپور

★ فدائی شهیدرفیق مهوش حاتمی

★ فدائی شهیدرفیق فرزاد دادگر

★ فدائی شهیدرفیق قربانعلی زرکاری متولد ۱۳۲۲ در تهران - کارگر

★ فدائی شهیدرفیق ناصر شایگان شاماسی

★ فدائی شهیدرفیق ارژنت شایگان شاماسی

★ فدائی شهیدرفیق فرهاد صدیقی پاشاکی - متولد ۱۳۲۹ در روستای پاشاکی از توابع سیاهکل - دانشجوی دانشگاه تهران

★ فدائی شهیدرفیق عزت غروی (رفیق مادر) متولد ۱۳۰۳ در بیروجرد

★ فدائی شهیدرفیق احمد مجتبی و محمود خرم آبادی

★ فدائی شهیدرفیق فاطمه (فریده) غروی متولد ۱۳۲۲ در بیروجرد

★ فدائی شهیدرفیق ازدا نشانگ فارغ التحصیل رشته شیمی از دانشگاه تهران

★ فدائی شهیدرفیق عمدرضا قنبرپور متولد آبادان

★ فدائی شهیدرفیق احمد رضا قنبرپور متولد ۱۳۲۷ در آبادان - معلم روستا

★ فدائی شهیدرفیق زهره مدیر شانهچی متولد مرداد ۱۳۳۲ در تهران

★ فدائی شهیدرفیق عالی علوم قضااتی قم

★ فدائی شهیدرفیق تورج اشتری تلخستانی

★ فدائی شهیدرفیق حسین فاطمی متولد ۱۳۲۴ در محله خانی آباد تهران

★ فدائی شهیدرفیق سیاسی دانشگاه تهران

★ فدائی شهیدرفیق میترا بلبل صفت همسر و همزم رفیق حسین فاطمی - این دور رفیق در کنار یکدیگر به شهادت رسیدند.

★ فدائی شهیدرفیق مصطفی حسن پور اصل متولد در یکی از قریه های لاهیجان - برادر فدائی شهید

غفور حسن پور
★ فدائی شهیدرفیق بهروز ارمغانی متولد ۱۳۲۴ - دانشجوی مهندسی ساختمان دانشکده فنی دانشگاه تبریز

★ فدائی شهیدرفیق اسما عیسی عابدی متولد ۱۳۲۸ در کنگاور

★ فدائی شهیدرفیق هادی قرچاد پزشک متولد ۱۳۳۱ در مشهد - دانشجوی رشته اقتصاد دانشگاه تهران

★ رفیق هادی در یک درگیری خیابانی با مزدوران رژیم شاه در اردیبهشت ماه ۵۵ به شهادت رسید.

اردیبهشت ۵۶

★ فدائی شهیدرفیق سربین پنجه شاهی در چهارم اردیبهشت ماه ۵۶ به شهادت رسید.

★ فدائی شهیدرفیق عبداللہ پنجه شاهی مانندخواهرش رفیق سربین، در اردیبهشت ماه ۵۶ به شهادت رسید.

اردیبهشت ۵۹

در اردیبهشت ۵۹ ما موران رژیم جمهوری اسلامی ده ها دانشجو را به خاطر مبارزه برای بارماندن دانشگاه به شهادت رساندند. یادشان را گرامی می داریم:

★ رفیق صادق از تمام تحصیلات ابتدائی در خاش و ادا مه آن در تهران

در سال ۵۴ در دانشگاه سیستان و بلوچستان به تحصیل پرداخت و نقش بسزائی در سازمان مدهی مبارزات دانشجویی بر علیه رژیم پهلوی داشت، و با اوج گیری قیام فعالانه در تظاهرات مردم شرکت و بمقا بله با پلیس مبارز پرداخت. به همین جهت دستگیر و زندانی شد پس از قیام نقش برجسته ای در سازمان دهی دانشجویان پیشگام داشت در جریان حمله وحشیانه قداره بنیاد نوپا سداران جمهوری اسلامی به دانشگاه تحت عنوان انقلاب فرهنگی رفیق دلورا نه مقاومت کرد و در سنگردا دانشگاه شهید گردید.

★ فدائی شهیدرفیق احسان الله ایمانی

★ فدائی شهیدرفیق فریدون آشوری

★ فدائی شهیدرفیق غلامحسین خاکباز

★ فدائی شهیدرفیق مسعود دانیالی

★ فدائی شهیدرفیق محسن رفعتی

★ فدائی شهیدرفیق رویا علی پناه فرد

★ فدائی شهیدرفیق کمال کیانفر

★ فدائی شهیدرفیق فرشته گل عنبرستانی

خاطره این شهیدان به خون خفته خلق گرامی باد

گرامی باد خاطر شهیدای بخون خفته خلق

گرامی باد خاطره شهدای اردیبهشت ماه



اردیبهشت ۵۳

★ فدائی شهیدرفیق مرضیه احمدی اسکوتی متولد ۱۳۲۴ در اسکوت (آذربایجان) - دانشجوی دانشگاه تبریز - معلم - شاعرونویسنده - پس از چند سال مبارزه در تبریز در دلیرانه با مزدوران ساواک در ساعت ۱۰ صبح روز ۶ اردیبهشت ۵۳ در میدان شهناز سابق، در تهران به شهادت رسید. پاره‌ای از شعرها و نوشته‌های رفیق مرجان در کتابی با نام دلغا (موج) به چاپ رسیده است.

بقیه در صفحه ۱۹

اردیبهشت نیز چون ماهی نازک دیگر سرخ است از خون فدائیان که در راه - تا زکران و رما بهای و الای زحمتکشسان مبارزه کردند و بشهادت رسیدند. بباد این رفقای شهیدهما نندشهادی دیگر در قلب توده‌ها رفته خواهد ماند.

اردیبهشت ۵۰

فدائی شهیدرفیق خلیسل سلمان نژاد - متولد همدان - کارگر رفیق در ۱۸ اردیبهشت ۵۰ هنگامی که مسئول تهیه گوشت مولوتف برای مصادره موجودی بانک ملی شعبه آیزنهاور بود، دچار سوختگی شدید شد و پس از چند روز به شهادت رسید.

فدائی شهیدرفیق کاظم سعادت متولد ۱۳۱۹ در آذربایجان - معلم - در ۲۳ اردیبهشت ۵۰ در رابطه با فعالیت‌های بهرورد هفانی - که رفیق و برادرزنی بود - دستگیر و سپس آزاد شد. کاظم که می‌دانست ساواک قصد دارد او را برای دستگیری بهرورد به عنوان طعمه استفاده کند، با قطع کردن رگ‌های دستش به زندگی پرافتخار خود ادامه داد.

اخباری از جنبش مقاومت خلق کرد

پاسداران بارقص و پایکوبی بر اجساد شهدا وحشیگری خود را با ثبات رساندند

ماشین با چراغهای روشن ریخته و بمدت چهار ساعت در شهر می‌گردانند و در این حال به رقص و پایکوبی سر روی اجساد پیشمرگان می‌پردازند. این عمل پاسداران یادآور جنایت ارتشیان مزدور شاه جلاد بود که جسد شهید قهرمان اسماعیل شریف زاده را در شهر بانه به معرض نمایش گذاشته بودند. مردم بیچاره با سکوت و عدم شرکت در مراسم پاسداران، نفرت خود را از این عمل نشان دادند. بعد از این تشیع جنازه غیرانسانی، اجساد پیشمرگان بجای تدفین در گورستان شهر به پای کوه سهراب در جنوب غربی بیجا برده شده و بطور دستخمش در گودالهایی که بوسیله بولدوزر حفر شده بود، ریخته می‌شود و در همین حال یکی از پاسداران به زدیدن وسایل شخصی پیشمرگان شهید

بقیه در صفحه ۱۸

کشتار و به نمایش گذاردن اجساد عده‌ای از پیشمرگان حزب دمکرات به وسیله پاسداران بیچاره که یادآور سنتهای وحشیانه قرون وسطائی بود. یکبار دیگر چهره واقعی این مزدوران سرمایه را به مردم بیچاره نشان داد.

در تاریخ جمعه ۲۱ فروردین ۲۰ نفر از پیشمرگان حزب دمکرات مستقر در ده صلوات آباد واقع در ۱۶ کیلومتری بیجار در محاصره پاسداران، جاشها و ارتشیان قرار گرفتند و در این درگیری ۱۹ نفر از پیشمرگان به شهادت رسیدند و تنه‌ها یکنفر با لندور و حامل سلاحها و مهمات موفق به گریز می‌شود. از میان مزدوران نیز ۲ پاسدار کشته و معاون پاسداران بیچاره شدت زخمی می‌گردد. فردای آنروز پاسداران و ارتشیان برای اینکه نفرت خود را از این فرزندان دلاور خلق کرد نشان دهند، اجساد آنان را در چند

ترور محمد علی ساکتی راننده تاکسی به دست پاسداران رژیم جمهوری اسلامی

روز چهارشنبه در حوالی میدان خرابان یک راننده تاکسی بنام محمد علی ساکتی هدف کلوله ما مور کمیته منطقه ۵ اینام محمدرضا مفیمی قرار گرفت و کشته شد.

روزنامه‌های رسمی رژیم مجبور شدند که بعلمت ابعاد این جنایت و اعتراض وسیع توده‌ای خیبر را منعکس کنند و اعلام نمایند که قاتل در بازداشت سرب می‌برد. اما خشم و انزجار مردم بویژه رانندگان تاکسی از این اقدام - جنایتکارانه در همه جا چشم می‌خورد. مردمی که در محل وقوع جنایت حضور داشتند هر یک بنحوی این اقدام جنایتکارانه پاسدار رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می‌کردند. رانندگان تاکسی در حالی که تاکسی‌های خود را در سراسر خیابان پارک کرده بودند اعتراض گسترده خود را نسبت به این اقدام و همبستگی خود را نشان دادند.

روزنامه انقلاب اسلامی نوشت: "دشمن یک راننده تاکسی بدنبال مشا جره لفظی با مسافر خود بدلیل عدم استفاده از دستگاه کیلومتر شمار به ضرب کلوله اسلحه کمری، مسافر بقتل رسید."

سرپرست کمیته منطقه ۵ طی اطلاعیه‌ای اظهار داشت که پاسداران یک تاکسی که روی درب آن نوشته نشده بود و دارای تاکسی متر نبوده و راننده آن کارنامه تاکسی رانی نداشته مشکوک می‌شوند. راننده را به طرف کمیته راهنما می‌کنند. و بالاخره "تا خود آگاه" به راننده تاکسی شلیک می‌کنند.

روزنامه جمهوری اسلامی بنقل از شرکت تعاونی تاکسیرانی تهران نوشت: بقیه در صفحه ۱۷

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی قزل حصار به نشانه همبستگی با خلق قهرمان ایراند

به نشانه همبستگی با خلق قهرمان ایراند و به مناسبت شهادت چریک مبارز با بی ساندز زندانیان سیاسی زندان قزل حصار در تاریخ بیست و یکم اردیبهشت ماه دست به یک اعتصاب غذای ۲۴ ساعته زدند. زندانیان سیاسی ایران با اعتصاب غذای خود پیوند عمیق بین خلقهای ایران و خلقهای تحت ستم جهان را در برابر رژیمهای ضد انقلابی نشان دادند.

بقیه در صفحه ۱۸

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر